



ترجمه و تعریب (۵۷ تست)

۱. ترجمه تک عبارتی

۱۳۹۸. «إِنَّ الْإِمَامَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (ع) يَفْتَخِرُ بِأَخِيهِ أَبِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ . لِأَنَّهُ قَتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَكَلَاهُمَا أَسْوَةَ لَجَمِيعِ الْعَالَمِينَ !» (زبان ۹۴)

- ۱) همانا امام ابو عبدالله الحسین (ع) برادر خود ابی الفضل العباس را افتخار خویش می دانست، چه هر دو در راه خداوند جنگیدند و هر دو الگویی برای جهانیان شدند!
- ۲) قطعاً امام اباعبدالله الحسین (ع) برادر خویش ابی الفضل العباس را مایه فخر می دانست، از آن جا که در راه الله جنگید، و هر دو برای جهانیان الگو هستند!
- ۳) امام ابو عبدالله الحسین (ع) به برادر خویش ابی الفضل العباس مباهات می کرد، و مقتول شدن او را در راه الله می دانست و هر دو الگوی عالمیان بوده اند!
- ۴) امام اباعبدالله الحسین (ع) به برادر خود ابوالفضل العباس افتخار می کند، زیرا در راه الله به قتل رسید و هر دو الگویی برای همه عالمیان می باشند!

۱۳۹۹. «كُلَّمَا أَنْظَرْنَا إِلَى النِّعَمِ الَّتِي تُؤْفِرُنِي فِي الْحَيَاةِ، أَشْكُرُ رَبِّي الْحَنُونَ !» (انسانی ۸۹)

- ۱) هر دفعه به نعمتی که در زندگی ام فراهم گردیده است نگاه کرده ام، از پروردگار مهربان خود تشکر نموده ام!
- ۲) هر زمان به نعمت هایی که در زندگی ام مهیا کرده ام نگاه افکنده ام، از خدای مهربان سپاسگزاری کرده ام!
- ۳) هر بار به نعمتی که برای من در زندگی مهیا می کنند نگاه می کنم، خدای محبوبم را شکر می کنم!
- ۴) هر بار به نعمت هایی که در زندگی برایم فراهم می شود می نگرم، پروردگار مهربانم را شکر می کنم!

۱۴۰۰. «قَرَّرْتُ مَعَ أَخِي الصَّغِيرِ أَنْ نَذْهَبَ غَدًا رَأْسَ السَّاعَةِ الْعَاشِرَةِ وَالنِّصْفِ لِمَشَاهِدَةِ آثَارِ الْمَتْحَفِ التَّارِيخِيَّةِ !» (خارج از کشور ۹۹)

- ۱) با برادر کوچکم قرار گذاشتم فردا رأس ساعت ده و نیم به مشاهده آثار تاریخی موزه برویم!
- ۲) با برادر کوچکترم قرار گذاشتیم رأس ساعت ده و نیم فردا به دیدن آثار موزه های تاریخی برویم!
- ۳) من و برادر کوچکترم قرار گذاشته ایم فردا سر ساعت ده و نیم برای مشاهده آثار تاریخی به موزه برویم!
- ۴) من با برادر کوچکم قرار گذاشتم سر ساعت ده و نیم صبح فردا برای دیدن آثار تاریخی در موزه ها برویم!

۱۴۰۱. «إِنَّهَا مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ، تَغْذِيهَا صَعْبَةٌ عَلَى الْهَوَاةِ لِأَنَّهَا تُحِبُّ أَنْ تَأْكُلَ صَيْدَهَا حَيًّا !» (ریاضی ۹۸)

- ۱) آن از ماهی های عجیبی است که تغذیه اش برای علاقمندان سخت است برای این که دوست دارد شکار زنده بخورد!
- ۲) او از شگفت ترین ماهیانی است که برای علاقمندان، غذا دادنش سخت است زیرا او خوردن زنده شکار را دوست دارد!
- ۳) او از ماهیان شگفت آوری است که برای علاقمندان، تغذیه اش سخت دشوار است زیرا زنده خوردن صید را دوست دارد!
- ۴) آن از عجیب ترین ماهی هاست، غذا دادن به او برای علاقمندان دشوار است زیرا دوست دارد که صید خود را زنده بخورد!

۱۴۰۲. «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ !» (تجربین ۹۸)

- ۱) به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو دعوت کن، و با آنان با آنچه نیکوتر است مجادله کن!
- ۲) به راه خدای خود به وسیله دانش و بند نیکو فراخوان، و با آنان به وسیله سخنان خوب و زیبا مقابله کن!
- ۳) دعوت به راه خداوند باید با حکمت و موعظه پسندیده باشد، و با آنان با هر چه نیکوتر است مجادله کن!
- ۴) فراخواندن به راه خدای خود را از طریق بند و اندرز، زیبا انجام بده، و با آنان با شیوه ای بهتر مقابله کن!

۱۴۰۳. «مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ ضَمِيرِهِ وَاعْظُ، فَلَنْ يَكُونَ لَهُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ حَافِظٌ !» (زبان ۹۳)

- ۱) هر کسی که از درون خویش او را هشدار نمی دهند، در نزد خداوند حافظی نخواهد داشت!
- ۲) کسی که واعظی او را از درون هشدار ندهد، نگهبانی هم از سوی خدا او را حفظ نخواهد کرد!
- ۳) اگر کسی از درون خود وعظ کننده ای نداشته از نزد خدا حفظ کننده ای او را حفظ نخواهد کرد!
- ۴) هر کس از درون خویش پند دهنده ای نداشته باشد، از جانب خداوند نگهباننده ای نخواهد داشت!

۱۴۰۴. «هُوَ أَقْرَبُ شَخْصٍ لِي وَإِنْ كَانَ بَعِيدًا مَتَى مَسَافَاتٍ !» (خارج از کشور ۹۹)

- ۱) او شخص نزدیکی به من است هر چند که مسافت هایی از من دور شده است!
- ۲) او اگرچه مسافت ها از من دور شده است ولی شخص نزدیک تر به من اوست!
- ۳) نزدیک ترین فرد به من کسی است که از من مسافت هایی دور شده باشد!
- ۴) او نزدیک ترین فرد به من است اگرچه از من مسافت ها دور باشد!

فهرست

سال دهم

سؤال

۷

الذّرسُ الأوّل: مرور قواعد پایه

۲۵

الذّرسُ الثّانی: اعداد

۳۸

الذّرسُ الثّالث: اشکال فعل، ثلاثی مجرّد و مزید (۱)

۵۳

الذّرسُ الرّابع: اشکال فعل، ثلاثی مجرّد و مزید (۲)

۶۱

الذّرسُ الخامس: جمله فعلیه و اسمیه و نون وقایه

۸۲

الذّرسُ السّادس: معلوم و مجهول

۹۷

الذّرسُ السّابع: جار و مجرور

۱۰۹

الذّرسُ الثّامن: اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه

سال یازدهم

۱۲۳

الذّرسُ الأوّل: اسم تفضیل و اسم مکان

۱۳۷

الذّرسُ الثّانی: جمله شرطی

۱۵۱

الذّرسُ الثّالث: معرفه و نکره

۱۶۳

الذّرسُ الرّابع: جمله وصفیه (جمله بعد از نکره)

۱۷۶

الذّرسُ الخامس: ترجمه فعل مضارع (۱)

۱۹۲

الذّرسُ السّادس: ترجمه فعل مضارع (۲)

۱۹۹

الذّرسُ السّابع: معانی افعال ناقصه

سال دوازدهم

۲۱۱

الذّرسُ الأوّل: حروف مشبّهة بالفعل و لای نفی جنس

۲۲۷

الذّرسُ الثّانی: حال

۲۴۳

الذّرسُ الثّالث: أسلوب استثناء

۲۵۹

الذّرسُ الرّابع: مفعول مطلق

بخش ویژه

۲۷۳

تجزیه و ترکیب

۲۹۱

قرانت کلمه (ضبط حرکات)

۲۹۸

درک مطلب

۳۲۱

کنکورهای ۱۴۰۰

۳۳۳

پاسخنامه تشریحی

۴۶۰

پاسخنامه کلیدی

۱۵۷۵. **گزینه ۴** «من تعلّم» هرکس فرا بگیرد (رد سایر گزینه‌ها). «لغة قوم: زبان قومی را» (رد ۲). «جیداً: خوب، به خوبی». «أمن شَرّهَم»: از گزند آن‌ها در امان است» (رد ۳). «الإنسان بتعلّم کلّ لسان»: انسان با فرا گرفتن هر زبانی» (رد ۱ و ۲). «إنسانٌ جدیدٌ: یک انسان جدید است»
۱۵۷۶. **گزینه ۲** «إن» چون قبل از اسم آمده؛ پس ادوات شرط نیست (رد ۳). «سُصبح»: خواهد شد؛ آینده است (رد ۱ و ۴). «الإنسان الذی»: انسانی که» (رد ۳ و ۴).
۱۵۷۷. **گزینه ۱** «ما» شرطیه معنی (هر چه) می دهد (رد ۲ و ۳). «یعطی»: می دهد؛ معلوم است نه مجهول (رد ۴).
۱۵۷۸. **گزینه ۳** «لا بدّل»: دلالت نمی کند؛ فعل مضارع است نه اسم (رد ۱ و ۴). «إنما»: فقط، تنها» (رد ۲).
۱۵۷۹. **گزینه ۴** «قبل أن یعزم»: در گزینه (۱) ترجمه نشده است. «من: هرکس» (رد ۲ و ۳). «قد انتفع»: سود برده است؛ ماضی نقلی است (رد ۲ و ۳). «العقلاء»: دانایان، معرّفه است نه نکره (رد ۲).
۱۵۸۰. **گزینه ۴** «من: هرکس». هر که؛ شرط است (رد ۱ و ۳). «صدیقه الحمیم»: دوست صمیمی اش». «مستشاره الحکیم»: مشاور خردمند خویش؛ ترکیب وصفی و اضافی هستند. (رد ۱ و ۲) «فلیجعل»: باید قرار دهد». «قرار می دهد»: اشتباه است (رد ۱ و ۳). کسره در انتهای فعل مضارع به ما می گوید که حرکت ساکن داشته ایم.
۱۵۸۱. **گزینه ۲** «من: هرکس» شرط است (رد ۱ و ۳). «مستقبله»: آینده اش؛ همراه ضمیر است (رد ۱). در گزینه (۴) «حال آن که» معادل «الذی»: که؛ نیست.
۱۵۸۲. **گزینه ۳** «إن: اگر، چنانچه» (رد ۲). «تُرید: بخواهی» فعل مضارع است (رد ۱ و ۲). «قلوب الشّباب»: دل های جوانان» (رد سایر گزینه‌ها). همچنین «پیشة خود» نیز نادرست است (رد ۴).
۱۵۸۳. **گزینه ۱** «إن: اگر» معنای قیدهای زمان نمی دهد (رد ۲ و ۴). «لا تعلم» مضارع است (رد ۳). «سمعتُ: شنیدی» (رد ۳ و ۴).
۱۵۸۴. **گزینه ۱** «كان... بهمس»: آهسته سخن می گفت» (رد ۲ و ۴). در گزینه (۳) «من الصف»: ترجمه نشده. کاذب: نزدیک بود (رد ۲ و ۴).
۱۵۸۵. **گزینه ۲** در گزینه (۱) «بها» ترجمه نشده «من (شرط): هرکس». هر که» (رد ۳). «یخضّل»: معلوم است ولی مجهول ترجمه شده (رد ۴).
۱۵۸۶. **گزینه ۴** «یتکلم»: فعل شرط است و باید مضارع التزامی ترجمه شود (رد ۱ و ۲). «حینما: زمانی که» (رد ۱). «لا نهمس»: آهسته حرف مزین» (رد ۲). «به خاطر تو» در گزینه (۳) اضافی است. «عملاً» در گزینه (۱) ترجمه نشده.
۱۵۸۷. **گزینه ۱** «عددٌ کثیرٌ من العلماء»: تعداد زیادی از علماء» (رد ۲ و ۳). «التّریبه و التّعلیم»: صفت نیست (رد ۳). در گزینه (۴) «بسیار» اضافه است. همچنین «کتباً» باید در این گزینه نکره و جمع ترجمه می شود.

نسوزی: مجالالت التّریبه و التّعلیم: زمینه های آموزش و پرورش؛ توجه کنیم که در زبان عربی برخلاف زبان فارسی، واژه «تربیه» پیش از تعلیم می آید.

مثال: «دائرة التّریبه و التّعلیم»: اداره آموزش و پرورش»

۱۵۸۸. **گزینه ۲** «ابتعد»: فعل لازم است نه متعدی (دور شد، دوری کرد). ولی در سایر گزینه‌ها به صورت متعدی (دور کردی، دور می کنی) ترجمه شده.
۱۵۸۹. **گزینه ۳** «التّناس»: مفعول است نه فاعل (رد ۱). «رأیت»: فعل شرط است و مضارع التزامی ترجمه می شود (رد ۲ و ۴). «دین الله»: دین خدا؛ ترکیب اضافی است نه وصفی (رد ۲ و ۴).
۱۵۹۰. **گزینه ۱** «من: شرطی است (هر کس)» (رد ۲ و ۴). «شَرّ الحسد»: شَرّ حسد، حسادت» (رد ۳ و ۴). «یُنقذ»: فعل معلوم است ولی در گزینه (۲) به صورت مجهول ترجمه شده است. «التّصائح الأخلاقیة»: در گزینه (۳) نکره ترجمه شده و «منه» ترجمه نشده است. در گزینه (۴) «بتخلّص»: به صورت متعدی معنا شده و نیز «حسودها» غلط است.
۱۵۹۱. **گزینه ۳** «ینتفع»: و «ینتفع»: مضارع هستند نه ماضی (رد ۱). «مدیرة شرکتنا الکبیرة»: مدیر شرکت بزرگ ما» (رد ۲ و ۴).
۱۵۹۲. **گزینه ۳** «نوعٌ: نوعی» در گزینه (۱) ترجمه نشده است. «من هو اکبر منک»: کسی که از تو بزرگ تر است» (رد ۲). «علیک: تو باید، بر تو است» (رد ۴).

۱۵۶۰. **گزینه ۴** «أحسن»: اسم تفضیل است. «بهترین مردان نزد خداوند کسی است که نماز را ترک نمی کند». «اکرم»: گرامی داشتند... هفته گذشته» و «اکثر» (زیاده روی کردند). «الطلّاب»: فاعل است و مرفوع (مُ آمده) در گزینه های (۱) و (۲) فعل هستند و در گزینه (۳) هم «خبر» به همراه مرفوع آمده (خوبی پروردگار ما).
۱۵۶۱. **گزینه ۳** «أقلّ»: فعل ماضی از باب «افعال» است (مرد در کار کوتاهی کرد). ولی در سایر گزینه‌ها «أخلص»، «شَرّ»، «اکرم» و «أعلم» همگی اسم تفضیل هستند.
۱۵۶۲. **گزینه ۴** «المجالس»: هم نشین، اسم فاعل و مذكر است. «لِزوال الحسن» که صفت و مذكر است می توان فهمید) بررسی سایر گزینه‌ها ۱ «المشاهد»: جمع «مشهد» به معنی صحنه است. (از مؤنث بودن کلمات «لُتی» و «مخوفة» می فهمیم که جمع غیر عاقل است). ۲ دوستم خارج کننده کتاب از آنجا بود. (مُخرج: اسم فاعل) ۳ «ملابس»: جمع «ملبس» به معنای لباس، معنای مکان ندارد (المعامل: المعمل کارگاه‌ها).
۱۵۶۳. **گزینه ۴** بررسی گزینه‌ها ۱ بدی مردم معمولاً به خودشان می رسد. «شَرّ» مصدر است. ۲ «المناطق»: جمع «مِنْطَقَة» است و اسم مکان نیست. ۳ «أماکن»: جمع «مکان» اسم مکان و «آخر» (پایان) اسم فاعل و اسم تفضیل نیستند. ۴ بدی این شهر شلوغی است. «شَرّ» مصدر و به معنای «بدی» است.
۱۵۶۴. **گزینه ۱** در گزینه (۱) «خبرأبی»: خوبی پدرم»، «خبر» مصدر است. «أنفَس»: گران بهترین» اسم تفضیل است. در گزینه (۲) «صِغری»: (کودکی ام) و در گزینه (۳) «کبری»: (میانسالی ام) است؛ زیرا بعدشان ضمیر مذكر (ه) آمده نه مؤنث (ها). در گزینه (۴) هم «فُضلی»: (برتری من) اسم تفضیل نیستند، چون بعدش صفت به صورت مذكر آمده نه مؤنث
۱۵۶۵. **گزینه ۳** «حُدّام»: جمع «خادم» است. بررسی سایر گزینه‌ها ۱ «المحافظ»: اسم مکان و جمع «مَحْفَظَة» است. چون «الذی» بیانگر جمع غیر عاقل بودن آن است. ولی «المحافظ»: مذكر است. ۲ اسم مبالغه است. (زوّار) چون ضمیر «ه» برای آن مرفوع آمده. (زوّار جمع است). ۳ «المقاتل»: جمع «المقتل» و «اسم مکان» است. چون فعل «تحکی» مرفوع مؤنث آمده پس کلمه مورد نظر جمع غیر انسان است. (المقاتل است نه المقاتل).

درس دوم

پایه یازدهم

۱۵۶۶. **گزینه ۴** در سایر گزینه‌ها «من» شرطیه نباید به صورت «کسی که، کسانی که» آن کسی که، اگر و... ترجمه شود. همچنین «امور» جمع است (رد ۱ و ۳).
۱۵۶۷. **گزینه ۴** اگر فعل شرط ماضی باشد یا به صورت ماضی ساده ترجمه می شود یا مضارع التزامی (رد ۲ و ۳). کلمه «قلب» در سایر گزینه‌ها ترجمه نشده است. ضمناً «ظواهر» جمع است ولی در گزینه های (۱) و (۲) به صورت مفرد ترجمه شده است. دقت کنید که «من» در این عبارت از نوع شرط است، لذا بهتر بود به صورت «هر کس» ترجمه شود.
۱۵۶۸. **گزینه ۱** «إن: اگر» (رد ۲ و ۴). «تقصّد»: مضارع است (رد سایر گزینه‌ها). «التّغایات»: زبانه‌ها، معرّفه است (رد ۴). «طُعّم»: بدان» (رد ۳ و ۴). در گزینه (۲). «این» اضافی است.
۱۵۶۹. **گزینه ۳** «سوف یتنبّه»: آگاه خواهد شد» (رد ۱ و ۴). «زمیلک المشاغب»: هم کلاسی اخلاک‌گرت»
۱۵۷۰. **گزینه ۲** «خلق الله»: آفرینش خدا؛ ترکیب اضافی است نه وصفی همچنین مفرد است نه جمع (رد ۱ و ۳). «إذ: اگر». هرگاه» (رد ۳). «سُشاهد»: خواهی دید» آینده است (رد ۳ و ۴).
۱۵۷۱. **گزینه ۳** «إن: اگر، چنانچه» (رد ۲ و ۴). «لِلناس»: برای مردم» (رد سایر گزینه‌ها). «أن تنصح»: که نصیحت کنی» (رد سایر گزینه‌ها).
۱۵۷۲. **گزینه ۲** «بسهولة»: به آسانی» (رد سایر گزینه‌ها) «إن: اگر» نباید «هرگاه» ترجمه شود (رد ۱ و ۳). «لنا: برای ما» ترجمه نشده است (رد ۱ و ۴).
۱۵۷۳. **گزینه ۱** «فیما لا تُعلم»: درباره آنچه نمی دانی» (ما شرطیه نیست پس معنی «هر چه» نمی دهد) (رد ۲ و ۴). «وإن: اگرچه» (رد ۳ و ۴). «کانوا أصفر منک»: از تو کوچک تر باشند» (رد ۲ و ۴). «بین: میان» (رد ۲). «لا تمیّز: جدا نمی کند» (رد ۲ و ۳).
۱۵۷۴. **گزینه ۳** «یصعد»: صعود می کند» در گزینه (۱) به شکل آینده ترجمه شده است. «إن: اگر، چنانچه» به معنای «هرگاه» نیست (رد ۲). «بتسجیل»: با ثبت، با زدن» مصدر است نه فعل (رد ۴).

[خارج از کشور ۹۰]

۱۴۱۵. أفضل ما ينتفع به الصديق عند الشدة هو ان لا يترك في صعوبات الدهر وحده!:

- (۱) برای یک دوست بهترین چیز این است که در تلخی های زمانه تنها باقی گذارده نشود!
- (۲) از بهترین چیزها که دوست را می توان با آن بهره مند کرد، این است که در تلخی زمانه تنها نماند!
- (۳) بهترین چیزی که برای دوست در گرفتاری سودمند است، فقط همین است که در سختی روزگار تنها نماند!
- (۴) بهترین چیزی که دوست هنگام سختی از آن بهره مند می شود این است که در سختی های روزگار تنها نماند!

۱۴۱۶. قد نشاهد بين الناس من هو أكمل منا فعلينا ان لا نذكر عيوبه الأخرى!:

- (۱) میان مردم گاهی مشاهده می کنیم که کسی از ما کامل تر است پس ما باید عیب هایش را بازگو نکنیم!
- (۲) گاهی اوقات میان مردم کسی را می بینیم که از ما بهتر است بنابراین نباید عیب های دیگر او را یادآوری کنیم!
- (۳) قطعاً بین انسان ها اشخاصی را دیده ایم که از ما کامل ترند پس بر ماست که نقص های دیگر او را ذکر نکنیم!
- (۴) گاهی بین مردم کسی را مشاهده می کنیم که از ما کامل تر است پس باید عیب های دیگرش را ذکر نکنیم!

۱۴۱۷. قد يحدث لنا ان نواجه أشخاصاً يحسنون إلى غيرهم و ينتفع بهم الناس: هؤلاء خير العباد لنا!:

- (۱) شاید برای ما پیش آمده باشد که با اشخاصی مواجه شویم که به غیر خود احسان می کنند و به مردم سود می رسانند؛ اینان خوب ترین عبادت کنندگان ما هستند!
- (۲) شاید برای ما رخ دهد که با اشخاصی مواجه شویم که به غیر خود احسان کنند و به مردم نفع رسانند؛ اینان بهترین بندگان برای ما هستند!
- (۳) ممکن است برایمان پیش آید که با افرادی روبرو شویم که به دیگران نیکی کنند و مردم از آن ها سود ببرند؛ برای ما این ها بهترین بندگانند!
- (۴) گاهی با افرادی روبرو می شویم در حالی که به غیر خود نیکی می کنند و مردم از آن ها سود می برند، بهترین بندگان برای ما این ها هستند.

[کانون فرهنگی آموزش]

۱۴۱۸. هؤلاء آباء و أمهات يُرشدون كلاً من أولادهم إلى أطيب الصفات وأصلح الأعمال!:

- (۱) اینان پدرها و مادرهایی هستند که همه فرزندان را به سمت ویژگی های پاکیزه تر یا کارهای شایسته تر راهنمایی می کنند!
- (۲) این پدر و مادرها هر کدام از فرزندان شان به سوی پاکیزه ترین ویژگی ها یا شایسته ترین کارها رهنمون می شوند!
- (۳) این ها پدران و مادرانی هستند که هر یک از فرزندان خویش را به پاکیزه ترین ویژگی ها و شایسته ترین کارها راهنمایی می کنند!
- (۴) ایشان پدر و مادرهایی هستند که هر کدام از فرزندان شان به پاکیزه ترین ویژگی ها و شایسته ترین کارها راهنمایی می شوند!

۱۴۱۹. ﴿بئس الاسمُ الفسوقُ يَغذُ الإيمانَ وَ مَنْ لَمْ يَتَّبِعْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾:

- (۱) چه بدنامی است آلوده شدن به گناه پس از ایمان و هرکسی که توبه نکرده است، پس خود این ها، ظالم هستند!
- (۲) بدنامی است فسوق پس از ایمان آوردن و هرکس توبه ننماید، آن ها ستم می کنند!
- (۳) آلوده شدن به گناه بعد از ایمان بدنامی است و کسانی که توبه نکنند، پس آن ها ستمگر هستند!
- (۴) آلوده شدن به گناه پس از ایمان، بدنامی است و هر که توبه نکند، پس آن ها همان ستمکاران هستند!

[کانون فرهنگی آموزش]

۱۴۲۰. كَأَن أَخْتِكَ الصَّغِيرَةَ تُرِيدُ فُسْتَانًا أَرُخَصَ فَاذْهَبَا إِلَى مَتَجَرِّزِمِيلَى لِأَنَّهُ يَبِيعُ فَسَاتِينَ لَهَا أَسْعَارَ رَخِيصَةٍ!:

- (۱) مثل این که خواهر کوچک تو پیراهن زنانه ای را می خواهد که ارزان تر باشد، پس به مغازه همکارم بروید زیرا او پیراهن های زنانه ای می فروشد که قیمت های ارزان تری دارند!
- (۲) گویی خواهر کوچکت پیراهن زنانه ارزان تری می خواهد، پس به مغازه همکارم بروید زیرا او پیراهن های زنانه ای می فروشد که قیمت های ارزانی دارند!
- (۳) خواهر کوچک تو گویی پیراهن زنانه ارزانی می خواهد، پس به مغازه همکارم بروید قطعاً او پیراهن های زنانه ای را که قیمت ارزانی دارند، می فروشد!
- (۴) گویی خواهر کوچکت پیراهن ارزان تری می خواهد که زنانه باشد، پس به مغازه همکارم که پیراهن های زنانه با قیمت هایی ارزان می فروشد، بروید!

۱۴۲۱. أحب من عباد الله من يتفغ الناس!:

- (۱) از بندگان الله، کسی را که مردم از او نفع برند، دوست دارم!
- (۲) دوست داشتنی ترین کس از بندگان خداوند کسی است که به مردم فایده می رساند!
- (۳) از بندگان خدا دوست می دارم کسی را که به مردم سود می رساند!
- (۴) محبوب ترین کس از بندگان پروردگار آن کسی است که مردمان از او بهره برند!

۱۴۲۲. تسمية الآخرين بالصفات القبيحة وإستهزاؤهم. عملان قبيحان وقد حرّمهما الله في القرآن!:

- (۱) بازماندگان را با اسم های زشت خواندن و به آن ها خندیدن، دو اقدام ناپسند در قرآن هستند و پروردگار آن ها را حرام می داند!
- (۲) نسبت دادن صفت زشت و ریشخند کردن دیگران، اعمال شرم آوری هستند و الله در قرآن آن ها را حرام شمرده است!
- (۳) نام گذاری دیگران، با خصلت های بد و مسخره کردنشان، دو کار زشت هستند و از جانب خداوند در قرآن منع شده اند!
- (۴) نامیدن دیگران به صفت های زشت و تمسخرشان، دو کار زشت است و خداوند آن ها را در قرآن حرام کرده است!

۱۴۲۳. عوقبت الأراذل بسبب الأفعال القبيحة التي ارتكبوها في حق غيرهم!:

- (۱) فرومایگان را به خاطر انجام کارهای زشت که در حق غیر خود مرتکب شده بودند، مجازات کردند!
- (۲) فرومایگان به سبب انجام کارهای زشتی که در حق دیگران مرتکب آن شده بودند، کیفر داده شدند!
- (۳) فرومایگان، در حق غیر خود مرتکب کارهای زشت شدند و کیفر داده شدند!
- (۴) فرومایه ترها به خاطر ارتکاب کارهای زشت خود در حق دیگران مجازات شدند!

(تجربین ۹۹)

۱۴۰۵. «إِنَّ الْفُؤُوطَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ أَكْثَرُ مِنْ ذُنُوبِ الْبَشَرِ»

- ۱) ناامیدی از فضل خدا بزرگترین گناه است در حالی که در بقیه گناهان را بر ایمان باز می‌کند!
- ۲) ناامید شدن از لطف خدا گناه بزرگی است که در بقیه گناهان را برای ما به خوبی باز می‌کند!
- ۳) ناامیدی از رحمت خدا گناهی بزرگ است در حالی که در بقیه گناهان را حتماً بر ایمان باز می‌کند!
- ۴) ناامید شدن از رحمت خدا بزرگترین گناهی است که قطعاً در بقیه گناهان را برای ما باز می‌کند!

(خارج از کشور ۹۸)

۱۴۰۶. «وَجَدْتُ الشَّمْسَ أَقْوَى مَصْدَرٍ يَكْفِينُنَا نُورًا وَ حَرَارَتًا، دُونَ أَنْ تَقْرُبَ إِلَيْنَا وَ تَبْتَعِدَ عَنَّا!»

- ۱) دیدم خورشید قوی‌ترین منبع است که نور و حرارتش، بدون این که به ما نزدیک و یا از ما دور شود بر ایمان کافی است!
- ۲) خورشید را بر انرژی‌ترین منبعی یافتیم که نورش و حرارتش بر ایمان کافی است. بدون نزدیکی به ما و دوری از ما!
- ۳) خورشید را نیرومندترین منبعی یافتیم که نور و حرارت آن، بی آن که به ما نزدیک شود و یا از ما دور شود برای ما کافی می‌باشد!
- ۴) این خورشید قدرتمندترین منبعی است که نور و حرارتش برای همه ما کافی می‌باشد بدون آن که بتواند نزدیک به ما یا دور از ما شود!

(زبان ۹۹)

۱۴۰۷. «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ يَجْتَنِبُ كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ، وَ هُوَ خَيْرٌ لَهُ!»

- ۱) بهترین مردم کسی است که از گمان‌ها بسیار اجتناب کند، و این برایش بهتر است!
- ۲) برترین مردم کسی است که از بسیاری از گمان‌ها دوری کند، و آن برایش بهتر است!
- ۳) کسی برترین مردم است که از بسیاری از گمان‌ها دوری می‌کند و آن برایش خوب است!
- ۴) با فضیلت‌ترین مردم کسی است که از گمان‌ها بسیار پرهیز کند، و آن امر برای او خوب است!

(انسانی ۹۹)

۱۴۰۸. «لَا تَجَادَلْ مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ مَا تَقُولُ!»

- ۱) مجادله مکن با کسی که گفته‌تورا گوش نمی‌دهد!
- ۲) با کسی که به آنچه تو می‌گویی گوش نمی‌دهد، جدال مکن!
- ۳) با کسی که به آنچه تو می‌گویی گوش نمی‌دهد، جدال مکن!
- ۴) مجادله نمی‌کند کسی که به آنچه تو می‌گویی، گوش نمی‌دهد!

۱۴۰۹. «غَيْنُ الْخَطَا: (لَا تَسْخَرُ قَوْمًا مِنْ قَوْمٍ غَسِيَ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ):» یک قوم

- ۱) قوم دیگری را مسخره نکند، چه بسا خوب‌تر از آن‌ها باشند!
- ۲) نباید قومی دیگر را به استهزاء گیرد، ممکن است که از آن‌ها بهتر باشند!
- ۳) قومی دیگر را به باد تمسخر نگیرد، شاید که از آن‌ها بهتر باشند!
- ۴) قوم دیگر را مسخره نمی‌کند، امید است که شما از آن‌ها بهتر باشید!

۱۴۱۰. «أَحَبُّ أَوْلَادِي مَنْ هُوَ يَعْمَلُ بِوَعْدِهِ وَ لَا يَلْمُزُ الْآخِرِينَ أَبَدًا!»

- ۱) از بین دوستانم کسی را دوست دارم که به وعده‌اش عمل می‌کند و از دیگران عیب‌جویی نمی‌کند!
- ۲) دوست داشتنی‌ترین رفقایم کسانی هستند که به وعده‌هایشان عمل کرده و هرگز از دیگران عیب نمی‌گیرند!
- ۳) محبوب‌ترین دوستانم کسی است که به وعده‌اش عمل می‌کند و هیچ‌گاه از دیگران عیب‌جویی نمی‌کند!
- ۴) از میان دوستانم کسی را دوست دارم که به حرفش عمل کرده و هرگز به دیگران لقب‌های زشت نمی‌دهد!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۱۱. «ضَدِيقِي! يَجِبُ أَنْ تَأْتِي بِأَدَلَّةٍ أَحْسَنَ يُقْنَعُ مِنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْهَا!»: دوست من!

- ۱) تو باید دلایل نیکویی بیاوری که هر که آن‌ها را شنید، قانع گردد!
- ۲) باید دلایل بهتری بیاوری که قانع شود کسی که به آن‌ها گوش می‌دهد!
- ۳) باید دلایل بهتری بیاوری تا کسی را که به آن‌ها گوش می‌دهد، قانع کنی!
- ۴) باید با بهترین دلایل بیایی که کسی را که به آن‌ها گوش می‌کند، قانع سازی!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۱۲. «مَا أَجْمَلُ أَنْ تُقَدِّمَ لِأَبْنَانِكَ مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ تُرْسِدُهُمْ إِلَى الْمَعْرِفَةِ!»

- ۱) زیباتر آن است که به فرزندان خود پندهای ارزشمندی تقدیم کنی که با آن به سوی معرفت هدایت شوند!
- ۲) چه زیباست که به فرزندان پندهای ارزشمندی تقدیم کنی که آنان را به شناخت هدایت کند!
- ۳) چه زیباست که چیزی به فرزندان پیشکش کنی که آنان به معرفتی ارزشمند ارشاد شوند!
- ۴) آنچه زیباست این است که گران‌قدرترین پندها فرزندان را به شناخت هدایت کنند!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۱۳. «إِنَّ أَمْرًا مِنْ أَصْبَرِ النَّاسِ لِأَنَّ الْمَصَائِبَ الْمُتَتَالِيَةَ الَّتِي حَلَّتْ بِنَالِمِ تَغْلِبُ صَبْرَهُ!»

- ۱) پدرم از صبورترین مردم است چون گرفتاری‌های بیایی‌ای که بر ما فرود آمد، بر صبر او چیره نشده است!
- ۲) پدر من از مردم بسیار صبور است چون مصیبت‌های بیایی بر ما فرود آمده اما بر صبر او چیره نگشته است!
- ۳) پدرم از شکیباترین مردم است زیرا گرفتاری‌ها که پی در پی بر ما فرود آمد، بر شکیبایی او چیره نشده است!
- ۴) از شکیباترین مردم، پدر من است زیرا مصیبت‌های متوالی که ما را دچار کرد، نتوانست بر شکیبایی او غلبه کند!

۱۴۱۴. «مِنْ أَمِّهِ الْمَشْكَلاتِ الَّتِي يُوَاجِهُهَا الْإِنْسَانُ هِيَ مُشْكَلةُ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ فِي الْمَجْتَمَعِ!»

- ۱) از مهم‌ترین مشکلاتی که انسان با آن روبرو می‌شود همان مشکل عدم ارتباط میان مردم است!
- ۲) بزرگ‌ترین مشکلی که انسان در جامعه با آن مواجه می‌شود همان مشکل قطع ارتباط میان مردم جامعه است!
- ۳) از مهم‌ترین مشکلاتی که انسان با آن روبرو می‌شود مشکل قطع ارتباط بین مردم جامعه است!
- ۴) از مهم‌ترین مشکلاتی که انسان با آن مواجه می‌شود همان مشکل قطع ارتباط میان مردم در جامعه است!

۱۴۲۴. «يُنصَحنا النَّاسُ أَنْ لَا تُسْمَى أَحَدًا بِالْقَابِ لَا يُحِبُّهَا وَهَذِهِ التَّسْمِيَةُ بِنَسِ الظُّلْمِ!»:

- ۱) مردم ما را پند می دهند که کسی را با لقب هایی که دوست ندارد نامیم و این نامگذاری ظلم بزرگی است!
- ۲) ما مردم را پند می دهیم که احدی را با القابی که دوستش ندارد، صدا نکنند و این نامیدن بد ظلمی است!
- ۳) مردم ما را نصیحت می کنند که احدی را با الفاظ دوست نداشتنی صدا نزنیم چرا که این چنین نامیدن ظلم بدی است!
- ۴) مردم ما را نصیحت می کنند که کسی را به القابی که دوستان ندارند نام ندهیم و این نامیدن بد ظلمی است!

۱۴۲۵. «الْإِنْتِاجُ الْأَكْثَرُ لِلِاسْتِهْلَاكِ الْأَكْثَرِ. هَذَا هُوَ هَدَفُ الْبِلَادِ الْغَرِيبَةِ لِمَنْعِ تَقَدُّمِ الْمُسْلِمِينَ!»:

- ۱) تولید بیشتر باعث مصرف بیشتر است؛ این همان هدف کشورهای غربی، به خاطر پیشرفت نکردن ما مسلمان ها است!
- ۲) بیشتر تولید کردن برای بیشتر مصرف کردن، این همان اهداف کشورهای غربی به خاطر عدم پیشرفت کردن مسلمین است!
- ۳) تولید بیشتر برای مصرف بیشتر؛ این همان هدف کشورهای غربی برای جلوگیری از پیشرفت مسلمین است!
- ۴) بیشتر تولید کردن برای بیشتر مصرف کردن، این هدفی است که کشورهای غربی به خاطر عدم پیشرفت مسلمان ها دارند!

۱۴۲۶. «ذَهَبْتُ الْيَوْمَ نَحْوَ السُّوقِ لِأَشْتَرِيَ الْقَمِيصَ وَالسَّرْوَالَ فَطَلَبْتُ مِنْ صَدِيقِي الْعَنْوَانَ أَنْ يُعْطِيَنِي التَّخْفِيفَ الْأَكْثَرَ!»:

- ۱) امروز به طرف بازار رفتم برای این که پیراهن و شلوار بخرم پس از دوست مهربانم خواستم که تخفیف بیشتری به من بدهد!
- ۲) امروز به بازار رفته بودم که پیراهن و شلوار بخرم بنابراین از دوستم خواستم که بیشترین تخفیف را به من بدهد!
- ۳) در این روز به طرف بازار رفتم که شلوار و پیراهن تهیه کنم، بنابراین از مهربان ترین دوستم خواستم که به من زیاد تخفیف بدهد!
- ۴) امروز به سمت بازار رفتم تا پیراهن و شلوار بخرم بنابراین از دوست مهربان خود خواستم که بیشترین تخفیف را به من بدهد!

۱۴۲۷. «الْإِعْجَابُ بِالنَّفْسِ خِصْلَةٌ قَبِيحَةٌ عِنْدَ النَّاسِ نَهَانَا اللَّهُ عَنْهُ وَأَمْرًا بِالْإِبْتِعَادِ مِنْهُ!»:

- ۱) نزد مردم، خودپسندی یک خصلت ناپسند است که الله ما را از آن نهی کرده و ما به دوری از آن امر شده ایم!
- ۲) خودشیفتگی خصلت زشتی نزد مردم است و خداوند از آن نهی کرده و ما را به دوری کردن از آن دستور داده است!
- ۳) خودشیفتگی یک خصلت ناپسند نزد مردم است که خدا ما را از آن نهی می کند و به دور شدن از آن دستور می دهد!
- ۴) خودپسندی در نزد مردم خصلت زشتی است و پروردگار ما را از آن نهی نموده و به دوری از آن فرمان داده شده ایم!

۱۴۲۸. «شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ وَشَرُّ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ!»:

- ۱) بدترین مردم است، کسی که آخرت خویش را به دنیایش فروخت، و بدتر از او کسی است که آخرت خود را به دنیای غیر خود فروخت!
- ۲) هر که به جای آخرتش، با دنیایش بیعت کند، بدترین مردم است و بدتر از او کسی است که به جای آخرتش، با دنیایش بیعت کرده است!
- ۳) هر کس جهان واپسین را به دنیا بفروشد، بدترین مردم اوست و هر که دنیای دیگری را برای آخرتش بفروشد، بدتر از اوست!
- ۴) بدترین مردم کسی است که آخرتش را به دنیایش فروخت و بدتر از او کسی است که آخرت خود را به دنیای دیگران فروخته است!

۱۴۲۹. «نَحْنُ الظُّلَّابُ قَدْ نَشَاهَدُ بَيْنَ الْآخِرِينَ أَحَدًا يَكُونُ أَحْسَنَ مِنَّا. إِذَنْ يَجِبُ أَنْ تَتَّعِدَ عَنِ الْعَجَبِ!»: ما دانشجویان

- ۱) گاهی بین دیگران کسانی را دیده ایم که برتر از ما هستند؛ پس در این هنگام بر ماست که از خودبینی دوری کنیم!
- ۲) شاید مشاهده می کنیم که بین دیگران کسی از ما برتر است؛ پس وظیفه ما است که از خودپسندی دور باشیم!
- ۳) گاهی میان دیگران کسی را می بینیم که از ما بهتر است؛ بنابراین ما باید از خودخواهی دوری کنیم!
- ۴) بین دیگران برتر از خودمان را مشاهده می کنیم؛ پس بر ما است که خود را از عجب و غرور دور کنیم!

(هنر ۹۹)

۱۴۳۰. «مَا أَجْمَلَ أَنْ تُرَى نِهَائِيَةَ أَحْزَانِكَ الْمَاضِيَةِ لَتَبْدَأَ حَيَاةً جَدِيدَةً فَرِحَةً!»:

- ۱) چه زیباست که پایان غم های گذشته ات را ببینی تا زندگی جدید شادی را شروع کنی!
- ۲) چه چیزی زیباتر است که غم های گذشته ات را پایان دهد تا یک زندگی جدید را با شادی آغاز کنی!
- ۳) چه زیباست که ببینی اندوه های گذشته ات پایان یافته برای این که زندگی جدید شادی شروع شود!
- ۴) آنچه زیباتر است اینست که پایان ناراحتی های قبلی ات را ببینی برای این که زندگی جدیدی شادمانه شروع شود!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۳۱. «الْخَيْرُ وَالشَّرُّ كَلِمَتَانِ يُعْزَفُ بَهُمَا خَيْرُ الْأَعْمَالِ وَشَرُّهَا فَحَىٰ عَلَىٰ خَيْرِهَا!»:

- ۱) خوبی و بدی دو واژه ای هستند که به بهترین و بدترین اعمال معروف اند؛ پس به سوی نیکی شتاب کن!
- ۲) خیر و شر دو کلمه ای هستند که بهترین و بدترین کارها با آن دو شناخته می شود؛ پس به سوی بهترینش بشتاب!
- ۳) خوبی و بدی دو کلمه ای هستند که خوب و بد اعمال به واسطه آن دو شناخته می شود؛ پس خوبی آن را زنده نگهدار!
- ۴) خیر و شر دو واژه می باشند، با آن ها بهترین کارها و بدترینش شناخته می شود؛ پس برای خوبی اش بشتاب!

۲. ترجمه چهار عبارتی

۱۴۳۲. «عَيْنُ الْخَطَا»:

- ۱) لیس شیءٌ أَثْقَلَ فِي مِيزَانِ الْأَعْمَالِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ!؛ چیزی در ترازوی اعمال سنگین تر از اخلاق نیکو نیست!
- ۲) رَتِي كَمَا حَسَّنَ خُلُقِي. حَسَّنَ خُلُقِي أَيْضًا!؛ همان طور که پروردگارم خلقتم را زیبا کرد، اخلاقم را هم نیکو گردانید!
- ۳) عداوةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ!؛ دشمنی با افراد عاقل بهتر از صداقت جاهلان است!
- ۴) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ!؛ هر کس اخلاقش بد شود، خودش را عذاب می دهد!

۱۴۳۳. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أهدَى إِلَيْكُمْ عيوبَكُمْ! بهترین برادران شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند!
- ۲) الْأَنْبِيَاءُ نِعُوا لِتَمَمُوا مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ! پیامبران مبعوث شدند، برای این که مکارم اخلاقی کامل شود!
- ۳) وَجَدْنَا مَرْكَزاً مَهْماً لِتَبَادُلِ الْمَعْلُومَاتِ! مرکزی مهم را جهت مبادله اطلاعات یافتیم!
- ۴) «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَهَا»: خداوند به هر کسی فقط به اندازه توانش تکلیف می‌کند!

۱۴۳۴. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) لَمَّا دَخَلْتُ فِي مَتَجَرِّ الْأَيْسَةِ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَى أَسْعَارِهَا، وَوَقْتِي وَارِدَ فِرْشَةَ لِبَاسِهَا شَدِمَ، بِهَيْمَتِهَا أَنْ هَا نَظَاهُ مِي كَرْدَمَ.
- ۲) فَكَبَّرْتُ مَنِي الْبَائِعِ وَقَالَ: إِذَا أَرَدْتُ شَيْئاً فَأَنَا فِي خِدْمَتِكَ، بِسِمْسِمَةِ فَرُوشَنَدَه بِه مَن نَزْدِيكَ شَد و كَفْتُ: اِگَر جِيزِي بِخَوَاهِي، مَن دَر خِدْمَتِ شَمَا (تُو) هِسْتَم.
- ۳) فَسَأَلْتُ: هَلْ هَذِهِ الْفَسَاتِينُ وَالشَّرَاوِيلُ أَرْخَصُ، بِسِمْسِمَةِ: أَيَا إِيْن لِبَاسِهَاي زَنَانَه وَشَلَوَارَهَا ارزَانِ اسْت.
- ۴) فَأَجَابَنِي: الْأَسْعَارُ مُخْتَلِفَةٌ حَسَبَ نَوْعِيَّتِهَا وَأَوَانِهَا! بِسِمْسِمَةِ بِه مَن جَوَابِ دَاد: قِيْمَتِهَا بِرَاسَاسِ اجْنَاسِ وَرَنَگِهَايْشَانِ مُخْتَلَفِ اسْت!

۱۴۳۵. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) مَتَجَرِّضِدِيْقِي هُنَاكَ، أَظُنُّ أَنَّ نَوْعِيَّةَ سِرَاوِيلِهِ أَفْضَلُ! مَفَازَه دُوسْتِ مَن أَنْ جَا اسْت، كَمَا مِي كَنِمَ كِه جَنَسِ شَلَوَارَهَايْشِ بِهْتَرِ اسْت!
- ۲) أَعْطَانِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ ثَلَاثِمَائَةَ وَعَشْرِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ! بِسِمْسِمَةِ اِز تَخْفِيفِ، سِيْصِدِ وَبِيْسْتِ هَزَارِ تُوْمَانِ بِه مَن بَدَه!
- ۳) نَشِبَةُ صَوْتٍ مَن يَرْفَعُهُ دُونَ دَلِيلِ بِصَوْتِ الْحَمَارِ! صَدَايِ كَسِي كِه بِي دَلِيْلِ أَنْ رَا بَالَا مِي بِرِد، بِه صَدَايِ خَرْتَشْبِيَه شَدَه اسْت!
- ۴) نِيْحْتُ أَنْ لَا تَرْفَعُ صَوْتَنَا فَوْقَ صَوْتِ الَّذِي تَتَكَلَّمُ مَعَهُ! نَبَايْدِ صَدَايْمَانِ رَا بَالَايِ صَدَايِ كَسِي بِبِرِيْمِ كِه بَا اُو صَحْتِ مِي كَنِيْم!

۱۴۳۶. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) بَعْضُ الْمُفْسِّرِينَ يَعْتَبِرُونَ سُورَةَ الْحَجَرَاتِ مِنْ أَجْمَلِ سُورِ الْقُرْآنِ! بِرُخِي مَفْسِرَانِ، سُورَةُ حَجَرَاتِ رَا اِز زِيْبَاتَرِيْنِ سُورَهَايِ قُرْآنِ بِه شَمَارِ مِي اُورِنْد!
- ۲) أَفْضَلُ مِنْ بَيْنِ الْأَعْمَالِ اِكْتِسَابُ الْمَالِ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ! اِز مِيْآنِ كَارَهَا بِه دَسْتِ اُورْدِنِ مَالِ اِز رُوزِي حَلَالِ رَا تَرْجِيْحِ مِي دَهَم!
- ۳) يُنْهَى الْآخَرُونَ عَنِ سَخْرِيَةِ النَّاسِ لِأَنَّهُ عَمَلٌ قَبِيْحٌ جَدًّا! دِيْگَرَانِ رَا اِز تَمَسْخَرِ مَرْدَمِ بَا زِ مِي دَارْد، زِيْرَا كِه أَنْ كَارِي بِسِ نَاپِسِنْدِ اسْت!
- ۴) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ! هِرْكَسِ كِه شَهْوَتِشِ بِرِ خَرْدَشِ غَلِبَه كِنْد، بِسِ اُو بِدْتَرَا زِ جَارِيَايَانِ اسْت!

۱۴۳۷. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَاتَيْنِ الْاِسْتِهْزَاءَ فَقَط! خُداوَنْدِ دَر اِيْنِ دُو آيَه فِقْطِ عِيْبِ جُوبِي رَا حَرَامِ كَرْد!
- ۲) مِنْ بَيْنِ الطَّالِبَاتِ سَمِيَّةٌ أَكْبَرُ مِنْ عَاطِفَةَ! اِز بِيْنِ دَانَشِ اُمُوزَانِ سَمِيَّه اِز عَاطِفَه بَزْرَگِ تَرَا اسْت!
- ۳) هُمْ لَا يَجْتَنِبُوا عَنِ الْاِتِّحَادِ وَالتَّعَاوُنِ! أَنْ هَا نَبَايْدِ اِز اِتِّحَادِ وَهَمْكَارِي دُورِي كِنِنْد!
- ۴) سَوْفَ تَنْكَسِرُ رِجَالُهُ غَرَفَتِنَا الْمَلُونَةَ! شِيْشَه رَنْگَارَنَگِ اِتَاقِ مَا خَوَاهِدِ شَكْسْت!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۳۸. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) يَحِبُّ الْآبَاءُ وَالْأُمَّهَاتُ رُؤْيَةَ أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ! بِدَرَانِ وَمَادَرَانِ دُوسْتِ دَارِنْدِ فِرْزَنْدَانِشَانِ رَا دَر بِهْتَرِيْنِ حَالْتِ بِيْئِنْد!
- ۲) لَا تَرْفَعُ صَوْتَكَ فَوْقَ صَوْتِ مُخَاطَبِكَ لِأَنَّهُ عَمَلٌ سَيِّئٌ! صَدَايْتِ رَا بَالَايِ صَدَايِ مُخَاطَبْتِ بَلِنْدِ مَكْنِ زِيْرَا أَنْ كَارِ بَدِي اسْت!
- ۳) لَا تُسَبِّحْ مَنْ يَسْبُحُكَ تَكْتَسِبُ الْمَعَالِي! كَسِي رَا كِه بِه تُو دَشْنَامِ دَهْد، دَشْنَامِ مَكُوبِي تَا دَرَجَاتِ بَالَا رَا كَسْبِ كِنِي!
- ۴) أَهْلَكَ النَّاسُ إِنْ تَانَ: خَوْفِ الْفَقْرِ وَطَلْبِ الْفَخْرِ! هَلَاكِ تَرِيْنِ مَرْدَمِ دُو تَا هِسْتِنْد: تَرَسِ فِقْرُو طَلْبِ اِفْتِخَارِ!

۱۴۳۹. عَيْنُ الضَّحِيح:

- ۱) شَرُّ الْإِنْسَانِ مَنْ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ! بِدْتَرِيْنِ مَرْدَمِ اِنْسَانِ دُورُو اسْت!
- ۲) خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا! بِهْتَرِيْنِ كَارَهَا مِيْآنَه تَرِيْنِ اسْت!
- ۳) أَنْجَحُ التَّلَامِيذِ مَنْ يَجْتَهِدُ كَثِيْرًا! اِز بِيْنِ دَانَشِ اُمُوزَانِ كَسِي كِه بِيْشْتَرِ تَلَاشِ كِنْدِ مَوْفِقِ مِي شُود!
- ۴) أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْعَمَلُ بِالْقُرْآنِ! بِرْتَرِيْنِ كَارَهَا عَمَلِ كَرْدِنِ بِه قُرْآنِ اسْت!

۱۴۴۰. عَيْنُ الضَّحِيح:

- ۱) الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ! اِمْرُوزِ دِيْنَتَانِ بَرَايِ شَمَا كَامِلِ شَد!
- ۲) إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ! اِگَر فِرُومَايْگَانِ فِرْمَانِروا شُوند، شَايْسْتِگَانِ رَا هَلَاكِ كِنِنْد!
- ۳) «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»: شَمَا بِرْتَرِيْدِ اِگَر مُؤْمِنِمْ بِاشِيْد!
- ۴) اِعْلَمْ أَنَّ عَمَلَ الْخَيْرِ يَبْقَى وَالشَّرِّ يَفْنَى! مِي دَانِمِ كِه كَارِ نِيْكَ مِي مَانْدِ وَكَارِ بَدِ اِز بِيْنِ مِي رُود!

(خارج از کشور ۹۸)

۱۴۴۱. عَيْنُ الضَّحِيح:

- ۱) أَيْمَنِي أَنْ تَتَقَدَّمَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ! اِرْزُو مِي كَنِمِ اِمْسَالِ بِيْشْرِفْتِ كِنِي!
- ۲) اُرِيْدُ رِجُوعَكَ إِلَى بَيْتِكَ يَا أَيْبِي! مِي خَوَاهِمِ بِه خَانَه بِرْگَرْدِي اِي بِدَرَم!
- ۳) عَزِمْتُ أَنْ أَذْهَبَ إِلَى الْمَدَارِسِ الدِّيْنِيَّةِ! خَوَاسْتَمِ بِه مَدْرَسَه دِيْنِي بِرُوم!
- ۴) مَا شَاهَدْتُ دَرَا سَتَكَ فَكَيْفَ تَنْجَحُ! نَدِيْدِمِ دَرَسِ بِخَوَانِي بِسِ جِگُونَه مَوْفِقِ شَدِي!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۴۲. عین الضحیح:

- ۱) أنظر! ما أجمل الشجرة التي قد نمت أمام بيتنا! نگاه کن! درختی که مقابل خانه مان رشد کرده، زیبا تر است!
- ۲) لا فرار لبعض الناس في العالم من حياة قاسية قد حُمَلتْهم! برخی از مردم در جهان از زندگی دشواری که بر آنان تحمیل شده، هیچ گریزی ندارند!
- ۳) قد ينظروا الداء إلى التلفاز والدموع تتساقط من أعينهما! گاهی پدر و مادرم به تلویزیون نگاه می کنند در حالی که اشک از چشمشان بی دربی فرو می ریزد!
- ۴) لم يقول بعض الناس بأفواههم ما ليس في قلوبهم والله أعلم به! برای چه بعضی مردم با دهانشان چیزی می گویند که در دل هایشان نیست و خداوند به آن داناست!

۳. تعریب

۱۴۴۳. محبوب ترین فرد از معلمان آن کسی است که شاگردانش را تعلیم می دهد!:

- ۱) أحب من المعلمين المشفقين من يُعلم طلابه!
- ۲) أحب شخص من بين المعلمين من يُعلم طلابه!
- ۳) من المعلمين أحب من يُعلم الطلاب!
- ۴) أحب من المعلمين من يتعلم طلابه!

(تجربین ۹۹)

۱۴۴۴. عالم ترین مردم کسی است که علم مردم را بر علم خود افزود!:

- ۱) أعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه!
- ۲) الأعلام الناس من قد يجمع على علمه علم الناس!
- ۳) الأعلام من الناس الذي يجمع علم الناس إلى علمه!
- ۴) أعلم من الناس هو الذي قد جمع إلى علمه علم الناس!

(هنر ۹۹)

۱۴۴۵. در ترازو چیزی سنگین تر از خوی نیکو نیست!:

- ۱) ليس الشيء في ميزان أنقل من حُسن الخلق!
- ۲) في ميزان الشيء، ليس ثقیل مثل حسن الأخلاق!
- ۳) في الميزان ليس شيء ثقيل من الأخلاق الحسن!
- ۴) ليس شيء أنقل في الميزان من الخلق الحسن!

(هنر ۹۷)

۱۴۴۶. زحمت پدر و مادر بسیار بیشتر از اشتباهاتشان است، پس به آن ها فقط با مهربانی بنگر!:

- ۱) إن الوالدين يتعبان تعباً كثيراً من أخطائهما، فلا تشاهدهما إلا باللطف!
- ۲) إن تعب الوالدين أكثر بكثير من خطاياهما، فلا تنظر إليهما إلا بالرفقة!
- ۳) إن الكدح والنصب للوالدين أكثر جداً من الخطايا، فانظر إليهما بالرحمة فقط!
- ۴) إن نصب الوالدين وكدهما كثير جداً من الأخطاء، فيجب أن تشاهدهما بالرفق فقط!

(خارج از کشور ۹۷)

۱۴۴۷. بزرگ ترین ثروت ما اخلاق و انسانیت ماست و برای آن ها جایگزینی نیست!:

- ۱) لا بديل لأخلاقنا وإنسانيتنا لأنه ثروتنا العظيمة!
- ۲) أعظم ثروتنا أخلاقنا وإنسانيتنا وليس لهما بديل!
- ۳) ليس لأخلاقنا وإنسانيتنا بديلاً لأنهما أعظم ثروتنا!
- ۴) أعظم ثروتنا الذي ليس لها بديل أخلاقنا وإنسانيتنا!

(ریاضی ۹۶)

۱۴۴۸. امروز در جهان کنونی ترک کردن کوچک ترین اشتباهات، از بزرگ ترین فضیلت ها به شمار می آید!:

- ۱) اليوم في العالم الحالي ترك أصغر الخطأ يعتبر من أكبر فضائلك!
- ۲) اليوم في العالم المعاصر ترك أصغر الأخطاء يُعد من أكبر الفضائل!
- ۳) هذه الأيام في العالم الحالي ترك أصغر معاصيك يعد من أكبر فضائلك!
- ۴) هذا اليوم في العالم المعاصر ترك الاشتباهات الأصغر يعتبر من فضائل أكبر!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۴۹. تو سلواری های بهتری می خواهی، قیمت های آن ها از هفتاد و نه هزار تومان آغاز می شود!:

- ۱) أنت تُريد أفضل السراويل، تبدأ أسعاره من سبعة وتسعين ألف تومان!
- ۲) إنك تُريد أفضل السراويل، تبدأ الأسعار من تسعة وسبعين ألف تومان!
- ۳) أنت تُريد سرابيل أفضل، تبدأ أسعارها من سبعة وتسعين ألف تومان!
- ۴) إنك تُريد سرابيل أفضل، تبدأ أسعارها من تسعة وسبعين ألف تومان!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۵۰. پدر و مادرها با دلسوزی بهترین ویژگی ها و نیکوترین کارها را به فرزندانشان یاد می دهند!:

- ۱) الوالدان يُعلمان أولادهما الصفات الفضلى والأعمال الحسنى مشفقين!
- ۲) يتعلم الأبناء من الوالدين المشفقين الخصال الفاضلة والأعمال الحسنة!
- ۳) يُعلم الآباء والأمهات أولادهم أفضل الخصال وأحسن الأعمال مشفقين!
- ۴) الآباء والأمهات يُعلمون أبنائهم فضلى الخصال وحسنى الأعمال مشفقين!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۵۱. بهترین بندگان خداوند کسانی هستند که در زندگی به دیگران سود می رسانند!:

- ۱) خير عباد الله من ينفعون الآخرين في الحياة!
- ۲) أحب عباد الله أنفعهم لعباده في الحياة!
- ۳) عباد الله الذين ينفعون الآخرين في الحياة هم خير العباد!
- ۴) أحب العباد هم الذين ينفع الآخرون منهم في حياتهم!

(ریاضی ۹۹)

۱۴۵۲. یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است!:

- ۱) تفكر ساعة خير من عبادة سبعين سنة!
- ۲) الساعة في التفكر أفضل من سبعين سنة العبادات!
- ۳) التفكر في الساعة خير من العبادة من سبعين السنة!
- ۴) ساعة واحدة من التفكرات أفضل من سنة سبعين من العبادات!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۵۳. وارد کردن شادی به دل های مؤمنان از بزرگ ترین کارهایی است که خداوند آن را دوست دارد!:

- ۱) دخول السرور على قلوب المؤمنين من أعمال عظيمة تحبها الله!
- ۲) إدخال السرور على قلوب المؤمنين من أعظم الأعمال التي يحبها الله!
- ۳) من أعظم الأعمال التي تحبها الله هي دخول السرور على قلب المؤمن!
- ۴) إن الأعمال الأعظم التي يحبها الله هو إدخال الفرح على قلوب المؤمنين!

۱۴۵۴. از بین مدارس شهر، مدرسه ما برتر از بقیه مدارس دیگر است!:

- ۱) من بين مدارس المدينة، مدرستنا فضلى من بقية المدارس الأخرى!
- ۲) من بين مدارس هذه المدينة، مدرستنا أفضل من بقية المدارس الأخرى!
- ۳) من بين المدارس في المدينة، مدرستنا خير من بقية المدارس الأخرى!
- ۴) من بين مدارس المدينة، مدرستنا أفضل من بقية المدارس الأخرى!



١. تعريف لغت و کاربرد آن

١٤٥٥. عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّعَارِيفِ:

- (١) اتقى: خاف أن يفعل ما نهى عنه الله!
- (٣) الكبائر: الذين أكبر منا سناً!

١٤٥٦. عَيْنُ الْخَطَا فِي تَعْرِيفِ الْمَفْرَدَاتِ:

- (١) من يرتكب إثمًا أو معصية: أئيم!
- (٣) آلة توزن بها الأشياء: الميزان!

١٤٥٧. عَيْنُ الْخَطَا عَنِ «اللَّحْمِ»:

- (١) نأكله كطعام مع الخبز أو الرز!
- (٣) يأكله الناس للفداء أو العشاء!

١٤٥٨. مَا هُوَ الْخَطَا حَسَبَ الْإِيضَاحَاتِ:

- (١) العلاقة بين صديقين بشكل مستمر ← التواضل
- (٣) الخروج عن طاعة الله إلى معصيته ← الفسوق

١٤٥٩. عَيْنُ الْخَطَا عَنِ «التَّجَنُّسِ»:

- (١) محاولة قبيحة لكشف أسرار الآخرين!
- (٣) هو من الكبائر في الإسلام ومن السيئات!

١٤٦٠. «أَحِبُّ أَسْدِقَانِي عِنْدَ وَالدِيهِمْ أَصْدَقَهُمْ فِي كَلَامِهِمْ» عَيْنُ الضَّحِيحِ:

- (١) دوست می دارم - راستگوترين (٢) محبوب ترين - راستگوترين
- (٣) دوست داشتمی ترين - صادق تر (٤) دوست دارم - صادق ترين

(تجربین ٩٨)

١٤٦١. البضائع _____ فالتاس طلبوا من الحكومة أن _____ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَغَاتِ:

- (١) قيمة / يزداد / تقللها
- (٣) أسعار / ارتفعت / تخفضها
- (٢) ثمن / كثرت / تميزها
- (٤) نقود / يرتفع / تمنعها

١٤٦٢. عَيْنُ الْخَطَا عَنِ «الغِيبة»:

- (١) من أهم أسباب قطع التواصل بين الناس!
- (٣) إتهام شخص لشخص لعمل فيح ما ارتكبه!

١٤٦٣. عَيْنُ الضَّحِيحِ:

- (١) الهادي: صفة للإنسان ذي السكينة!
- (٣) أهدى: أعطى شيئاً أو هدية لأحد!

١٤٦٤. عَيْنُ الْخَطَا عَنِ «العجب»:

- (١) حالة الشخص الذي يثير إعجاب الآخرين!
- (٣) حالة الشخص الذي يكون معجباً بأعماله!

١٤٦٥. عَيْنُ الضَّحِيحِ فِي تَعْرِيفِ الْمَفْرَدَاتِ:

- (١) عدم الحضور في الصف: الإغتياب
- (٣) الندامة من الذنب والعزم على تركه: التوبة

١٤٦٦. عَيْنُ الْخَطَا:

- (١) ساتر: كاتم العيب كثيراً!
- (٣) استهزئ: سخر من الناس للتحقير!

١٤٦٧. عَيْنُ الْخَطَا:

- (١) الخفي: ما ليس ظاهراً!
- (٣) عاب: لقب صديقه بما يكره!

١٤٦٨. عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّعَارِيفِ:

- (١) النوعية: جنس البضاعة أو الأشياء!
- (٣) حسن: أعطاه حسنة ومتضاده «سء»!

- (٢) التجسس: القيام بجمع المعلومات لنقلها!
- (٤) الفلق: الضبح عندما يظهر من ظلمة الليل!

- (٢) صفة لمن يتوب كثيراً: تائب!
- (٤) الكشف عن الأسرار لنشرها: الفضح!

- (٢) من أجزاء جسم الإنسان والحيوانات!
- (٤) هو صالح للأكل قبل الطبخ أو بعده!

- (٢) خاف من ارتكاب ما نهى الله عنه ← اتقى
- (٤) الشيء الذي يُثير إعجاب الآخرين ← العُجب

- (٢) فضح الناس بذكر عيوبهم بكلام خفي!
- (٤) قد نهى الله المؤمنين عنه في القرآن!

- (٢) هي من كبائر الذنوب ومن الأخلاق السيئة!
- (٤) الذي يفعله كمن يأكل لحم أخيه المؤمن ميتاً!

- (٢) العُجب: صفة للذي يكره الآخرين!
- (٤) ذل: انحرف عن سبيل الحق!

- (٢) هو أن يعيب الإنسان أعمال الآخرين دائماً!
- (٤) هو أن تُعجب الإنسان مواصفات نفسه جداً!

- (٢) ما لا تقدر النفس على تحملها: كره
- (٤) الاستمرار على العمل: التواصل

- (٢) كره: فعل العمل دون الرغبة!
- (٤) سقى: جعل له إسماً!

- (٢) عسى: فعل يدل على الرجاء!
- (٤) حنى: أسرع إليه أو عجل!

- (٢) التخفيض: تقليل الثمن!
- (٤) حزم: جعله حراماً!

۱۴۶۹. عَيْنُ الضَّحِيحِ لِلْفَرَاحَاتِ:

(خارج از کشور اسالی ۹۹)

«دراسة نفقة نقل النفط مهمة، قد تستخدم آلات تستغرق وقتاً أقل وهي أرخص!»:

« هزینه انتقال نفت مهم است. گاهی وسایلی که وقت کمتری می‌گیرد و ارزان است»

- (۱) برآورد / بکار می‌بریم / ارزان
(۲) بررسی / بکار برده می‌شود / ارزانتر
(۳) تحقیق کردن / بکار می‌بریم / ارزانتر
(۴) مطالعه کردن / بکار می‌برند / ارزان

۱۴۷۰. عَيْنُ الخَطَا:

- (۱) الشعر: ثمن البضاعة أو قيمته!
(۲) المتجر: مكان التجارة أو بيع الأشياء!
(۳) ساء: أتى بالعمل السيء!
(۴) تمم: أكمله وجعله كاملاً!

۱۴۷۱. عَيْنُ الخَطَا:

- (۱) الغيبة: التكلم خلف الآخرين بما يكرهون!
(۲) الميت: من خرجت روحه من جسمه ولا يتنفس!
(۳) التجسس: السعي لمعرفة المعلومات والحصول عليها!
(۴) الفسوق: الظن السيء بالنسبة إلى الآخرين!

۱۴۷۲. عَيْنُ الخَطَا فِي التَّعَارِيفِ:

- (۱) الفسوق: التلوث بالذنوب والمعاصي!
(۲) جادل: ناظر لإظهار الضوابط ومرادفه «بَحَث»!
(۳) تنابز: نسب إلى شخص لقباً قبيحاً يكرهه!
(۴) لمز: ذكر العيوب في غياب الشخص ومرادفه «عاب»!

۲. مترادف و متضاد

۱۴۷۳. عَيْنُ مَا فِيهِ المْتَرَادِفُ:

- (۱) اجْتَنِبْ عَنِ صَدَاقَةِ الكَذَّابِ وَ جَالِسِ الضَّادِقِ!
(۲) أفضل الأعمال عند الله الكسب من الحلال!
(۳) أتعرف سعر هذه الفساتين أرخص أم قيمة تلك السراويل!
(۴) سز الناس من لا يعتقد الأمانة ولا يجتنب الخيانة!

۱۴۷۴. عَيْنُ مَا فِيهِ المْتَرَادِفُ:

- (۱) لا تسخروا من الناس عسى أن يكونوا خيراً منكم!
(۲) يُحِبُّ رَبَّنَا الأَعْمَالِ الحَسَنَةِ وَ عَلَيِ المُؤْمِنِينَ التَّحَلِّيَ بِهَا!
(۳) التكبّر والعجب من أسوء الصفات و علينا الابتعاد عنهما!
(۴) نهى الله عباده عن الاغتياب و الفسوق لأنهما من الكبائر!

۱۴۷۵. عَيْنُ مَا لَيْسَتْ فِيهِ المْفْرَدَاتِ المْتَضَادَةُ أَوْ المْتَرَادِفَةُ:

- (۱) التَّجَسُّسُ مِنَ الأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ وَ التَّوَضُّعُ مِنَ الأَخْلَاقِ الحَسَنَةِ!
(۲) تلا القارئ المشهور آيات من سورة الحجرات بصوت جميل!
(۳) الكفار و المُلجِدون يقومون بفضح و بكشف أسرار الآخرين!
(۴) الانسان المتكبر و المغرور لا يُحسِنُ إلى الفقراء في حياته!

۱۴۷۶. عَيْنُ مَا لَيْسَتْ فِيهِ المْفْرَدَاتِ المْتَضَادَةُ:

- (۱) إن تخفى أو تُظهرى هذه الأسرار، سوف تفسى يوماً!
(۲) لَقَبْتُ هَذَا العَادِلِ بِلقَبِ سَيِّئٍ فَأَنْتَ الظَّالِمُ وَ هُوَ المَظْلُومُ!
(۳) الله يأمر المؤمن أن يُقيمَ الفرائضَ وَ ينهَاهُ عَنِ الذَّنُوبِ!
(۴) إقرأ آياتٍ مِنَ أكبرِ سُورِ القرآنِ فِي الاصطِطافِ الصَّباحِ عَدَا!

۱۴۷۷. عَيْنُ الضَّحِيحِ عَنِ مُرَادِفِ الكَلِمَاتِ:

- (۱) الاستهزاء بالآخرين هو تسميتهم بالأسماء القبيحة! السخرية
(۲) أَحَدٌ مِنَ النّاسِ يَرْتَكِبُ ذَنْباً: غيبة
(۳) تجسّس عليهم في عملهم! تسمية
(۴) يا أيها الذين آمنوا لا تلمزوا أنفسكم! لا تأمروا

۱۴۷۸. عَيْنُ عِبَارَةٍ جَاءَ فِيهَا فِعْلَانِ مُضَادَّانِ فِي المَعْنَى:

- (۱) أكبر العيب أن تعيب ما فيك مثله!
(۲) المحاوله لكشف أسرار الناس أمر قبيح!
(۳) خَيْرُ شَخْصٍ بَيْنَ النّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا!
(۴) أُحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مِمَّا فَكَرَهُتُمُوهُ!

۱۴۷۹. عَيْنُ مَا فِيهِ الكَلِمَاتِ المْتَضَادَةُ أَوْ المْتَرَادِفَةُ:

- (۱) أسعارُ السَّرَاوِيلِ النِّسَائِيَّةِ فِي هَذَا المْتَجَرِ غَالِيَةٌ جَدًّا!
(۲) كِبَائِرُ الذَّنُوبِ فِعْلٌ قَبِيحٌ نُهِنَا عَنْ أَدَاءِهَا!
(۳) أَيُّهَا البَائِعُ أَعْطِنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِثْلَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفًا!
(۴) إِذْهَبْنَ إِلَى مَتَجَرِّ زَمِيلِي لِشِرَاءِ الفَسَاتِينِ الرِّخِيصَةِ وَ القَمِيصِ!

۱۴۸۰. عَيْنُ الضَّحِيحِ عَنِ مُرَادِفِ الكَلِمَاتِ:

- (۱) عَلَيْنَا أَنْ لَا نَذْكُرَ عِيُوبَ الأَخْرِينِ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ: ستر
(۲) «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»: مُذْنِب
(۳) «عسى أن يكونوا خيراً منهم»: أفضل
(۴) بَعْضُ الذَّنُوبِ مِنْ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النّاسِ: الاحترام

۱۴۸۱. عَيْنُ غَيْرِ المُنَاسِبِ فِي تَرْجُمَةِ المْفْرَدَاتِ ذَاتِ المَعْنِيِّينَ:

- (۱) لَهَا عِيُونٌَ جَمِيلَةٌ جَدًّا! چشم‌ها / چشمه‌ها
(۲) أَلْفُ اللهِ بَيْنَ قَلُوبِنَا! الفت برقرار کرد / تأليف کرد
(۳) هَلْ هَذَا هُوَ دَلِيلُكُمْ؟! راهنما / دليل
(۴) هَذِهِ الأَوْرَاقُ لَوْنُهَا أَخْضَرُ! برگ‌ها / کاغذها

١٤٨٢. في أي عبارة ما جاء المترادف أو المتضاد؟

- (١) العلاقات والتواصلات أصبحت سهلة للناس!
(٢) سعر هذه الفساتين عالية نبحت عن أرخص عنها!
(٣) أفضل إنسان هو من أحسن إلى من أساء إليه!
(٤) ليس جميلاً أن يرى الإنسان عيوب الآخرين فقط!

١٤٨٣. ما هو الضحيح في المرادفات:

- (١) أعلمُ الناس من جمع علم الناس إلى علمه: علام!
(٢) ربنا أمتنا فاغفر لنا: استغفراً!
(٣) أعطيني التخفيض لأجل شراء الملابس: وهبني!
(٤) قد يكون بيننا من هو خير منا: أحسن!

١٤٨٤. عيّن الخطأ في المتضاد:

- (١) نذكرُ أسئلةً متنوعةً ليفهم الطلاب الموضوع!: ننسى
(٢) فقد حرم الله تسمية الآخرين بالألقاب الكريهة!: أحل!
(٣) عيّن عبارة خالية عن المتضاد:

١٤٨٥. عيّن عبارة خالية عن المتضاد:

- (١) الحياة السفلى للمتكاسلين والفضلى للمجدين!
(٢) راقب ألا تنزل أقدامك بعد أن اهتديت!
(٣) خير الكلام ما قل ودل وشره ما يتعب الناس!
(٤) سوء التغذية مرض لا يفرق بين الغنى والفقير!

١٤٨٦. عيّن الخطأ في المرادفات والمضادات المشيرة إليها في التالي:

- (١) أكبر العيب أن تعيب ما فيك مثله ← = تلمز
(٢) ينس العمل الكذب عالماً ← ≠ نعم
(٣) عيّن الخطأ في المفردات المضادة:

١٤٨٧. عيّن الخطأ في المفردات المضادة:

- (١) من ساء خلقه عذب نفسه ← حسن!
(٢) الفيبة هي أن تذكر أخاك وأختك بما يكرهان ← يحنان!
(٣) فقد حرم الله الاستهزاء بالآخرين ← أحل!
(٤) أعلم أن فضح أسرار الناس من كبائر الذنوب ← صفاتر!

١٤٨٨. عيّن ما ليس فيه المترادف:

- (١) عسى ألا ترتكب معصية لعله نخسر!
(٢) يا ساتر العيوب، اكتم واستر عيوبنا!
(٣) دار حبيبي تقع قرب بيت مدير الإدارة!
(٤) ينهى ربنا الناس عن العجب والكذب في كتابه!

قواعد (٧٧) تست



١٤٨٩. عيّن ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) أحسن (٢) أشجع (٣) أزرق (٤) أكثر

١٤٩٠. عيّن الجواب الذي ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) أصغر (٢) أنفع (٣) أشود (٤) أجمل

١٤٩١. عيّن اسم التفضيل:

- (١) حكام (٢) أساتذة (٣) علماء (٤) أقارب

١٤٩٢. عيّن الخطأ في جمع الأسماء:

- (١) كبير ← كبار (٢) ميت ← موتي (٣) أفضل ← فضلاء (٤) أصغر ← أصاغر

١٤٩٣. عيّن كلمة ليست اسم التفضيل:

- (١) أقوى (٢) آخر (٣) أشد (٤) آخر

١٤٩٤. عيّن الاسم الذي يجمع على وزن «أفاعل»:

- (١) أكبر (٢) خير من ... (٣) أربع (٤) فضلى

١٤٩٥. عيّن كلها اسم التفضيل:

- (١) أتقى - أقل - أعلى - أذكي
(٢) صغرى - أحمد - أساور - أكل
(٣) أهم - أكد - خير - أوامر
(٤) أغلى - أعلم - أفرز - أحب

١٤٩٦. عيّن العبارة التي ليس فيها اسم التفضيل:

- (١) أحب أولادي أنسظهم من بينهم!
(٢) أعظم الذنوب استصغار الذنب!
(٣) أشهداء خير الناس شجاعة وإيماناً!
(٤) قد جاء في الكتاب: الخير والشر متضادان!

(٢) أحب أولادي أنسظهم من بينهم!

(٤) قد جاء في الكتاب: الخير والشر متضادان!

(كانون فرهنكي آموزش)

(هنر ۹۸)

- (۲) خیر الناس من یجبر نفسه علی الخیر!
(۴) أحب أن أقوم بخیر الأعمال فی الحیاة!

(ریاضی ۹۸)

- (۲) اللهم إني وكلتك أمری فأنت لی خیر وکیل!
(۴) عند الغضب نعرف حقیقة الأشخاص خیر معرفة!

- (۲) «العلمُ أصلُ كلِّ خیر و الجهلُ أصلُ كلِّ شرٍّ»
(۴) إنَّ من خیر أسمائکم عند الله . عبد الله!

- (۲) أذهب مع أصدقائی إلى الملعب الرياضي!
(۴) معرفة الإنسان تساعده علی كشف الأسرار!

(زبان ۹۸)

- (۲) أحب المعلمین الذین ینفعون الناس بأعمالهم!
(۴) أحب إخواننا من یرشدوننا إلى فهم عیوبنا بكلام لئین!

(انسانی ۹۸)

- (۲) إنَّ أختی الصغری هی التلميذة الكبرى فی الصف!
(۴) هذه التلميذة صغری من زمیلاتها فی الصف!

(خارج از کشور ۹۸)

- (۱) الحديقة الصغری مع الأشجار المنمرة أحسن من الحديقة الكبرى من دون الأثمار!
(۲) الإخوان الذین یساعدوننا فی أمورنا الصعبة خیر إخوان فی حیاتنا!
(۳) إنَّ الأعمال الّتی نعملها لكسب الحلال فضلی من بقية أعمالنا!
(۴) ساعات تفكرنا فی اليوم الواحد أقل من نومنا عادة!

۱۵۰۴. عین الخطأ:

- (۲) فاطمة أحسن بنت فی رأیی!
(۴) مدرستنا كبری من هذه المدرسة!

(خارج از کشور ۹۹)

- (۲) إنَّ اليأس شرُّ الأشياء لتخريب حیاة البشر!
(۴) الشرك بالله من شرِّ الأعمال الّتی تُبعدنا عنه!

- (۲) أحب أن أصبح خیر من تشاهد حولك!
(۴) لم أشاهد خیراً فی حیاتك فكُن نموذجاً!

- (۲) وصل العُمال فی الغروب إلى بیوتهم قبل مغرب الشمس!
(۴) الفلاح یعمل فی المزارع والعُمال یعملون فی المصانع!

(انسانی ۹۸)

- (۲) هو من مفاخر أمتنا!
(۴) مصالح الأمة نحفظها!

(زبان ۹۹)

- (۲) هذه السورة أعظم السور فی القرآن الکریم!
(۴) الغنی الأكبر اليأس من كل ما فی أیدی الآخرين!

۱۴۹۷. عین كلمة «الخیر» لیست اسم التفضیل:

- (۱) الخیر فی ما وقع!
(۳) خیر الأعمال أوسطها!

۱۴۹۸. عین كلمة «الخیر» تختلف (فی نوع الاشتقاق):

- (۱) یبقى الخیر حتی یرى صاحبه ثمرته!
(۳) ربُّ دُبُر لی أمری فلیس تدبیری خیر تدبیراً!

۱۴۹۹. عین معنی «خیر» مختلفاً عن الأخری:

- (۱) «ما تفعلوا من خیر فإنَّ الله به علیم»
(۳) «ربِّ إني لما أنزلت إلی من خیر فقیر»

۱۵۰۰. عین عبارة ما جاء فیها اسم المكان:

- (۱) زُرنا مرآقد الشهداء فی اليوم الماضي!
(۳) لنا منسج فی الطابق الأول فی بیتنا!

۱۵۰۱. عین ما لیس فیهِ اسم التفضیل:

- (۱) أفاضلنا من یحبون العلم و یعملون به!
(۳) حُسن الخلق أثقل الأعمال عند الله من عباده!

۱۵۰۲. عین الخطأ فی التفضیل:

- (۱) لا شكَّ أن لغة القرآن أبلغ من جمیع اللغات الأخری!
(۳) معلمونا فی المدرسة من أفاضل معلمی البلاد!

۱۵۰۳. عین الخطأ عن اسم التفضیل:

- (۱) تخاف الطالبة الصغری من الكبرى!
(۳) مریم الحُسنی جاءت نحو المدرسة اليوم!

۱۵۰۵. عین كلمة «الشر» لا یمکن أن تكون اسم التفضیل:

- (۱) جهلنا شرُّ أعدائنا إن نعرفه!
(۳) لا شرٌّ إلا أن یمکن دفعه بالتدبیر!

۱۵۰۶. عین كلمة «خیر» بمعنی «أحسن»:

- (۱) الخیر فی ما وقع فعلى الإنسان أن یهتم به!
(۳) أعمال الخیر تساعد الأشخاص کثیراً!

۱۵۰۷. عین عبارة ما جاء فیها اسم المكان:

- (۱) قد ذهبنا إلى متجر صدیقی لمُشاهدة الملابس الفضلی!
(۳) هذه المدينة لها أربع مدارس كبيرة للبنین و البنات!

۱۵۰۸. عین ما لیس فیهِ اسم المكان:

- (۱) مصادر النفط و الغاز فی قارة آسیا أكبر و أكثر!
(۳) المساجد بیوت أخرى للمؤمنین الذین یصلون!

۱۵۰۹. عین ما یدل علی المكان:

- (۱) هو من مُقاتلینا!
(۲) یمشون فی مساکنهم!

۱۵۱۰. عین وزن «أفعل» لیس اسم التفضیل:

- (۱) الشکوت أبلغ کلامٍ مقابل الجاهل!
(۳) من أحسن إلیک فأحسین إلیه . و هذا العمل حسن!

(رياضي ٩٨)

- (٢) كان من بين أصدقائي من هو أنجح التلاميذ!
(٤) إنَّ اللون الأبيض أحسن لونٍ لألبسة الممرضات!

- (٢) جاء أبي وكان معه كتاب أقل حجماً فأخذته!
(٤) أكرم الرجل في بيته ضيوفاً يجلسون على المائدة!

١٥١٣. كم اسم التفضيل تُشاهد في العبارة؟ «إن أحب إخواني عندي في أكثر الأحيان من يصدقني ويسعى أن يوصلني إلى أعلى درجة وأهم مكانة!»
(١) واحد (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

١٥١٤. كم اسم التفضيل في الآية الكريمة التالية؟ «بَلْ نُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرًا وَأَبْقَى»
(١) خمسة (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

(تجريبي ٩٩)

- (٢) يجب أن نرى الآخرين أحسن منا!
(٤) أكره الأعمال لقطع التواصل بين الناس هو الغيبة!

- (٢) المسجد ← المساجد، المسجديات
(٤) أرذل ← أرذل، أرذلون

- (٢) أكبر رجل في المجتمع هو من يعمل لأسرته!
(٤) خير العمل ما يعمل لرفع المجتمع وتقدمه!

(هنر ٩٩)

- (٢) بكلامه اللين سَمِعنا أهدى الكلمات!
(٤) أهدى عملٍ نعرفه، هو بالعمل لا بالكلام!

(خارج از کشور انسانی ٩٨)

- (٢) أنا أعلم أن هذا ليس مفيداً!
(٤) الإجابة الحسنى تتعلق بأخي!

- (٢) معرفة الناس أنفع المعارف ← اسم التفضيل، مذكر، خبر
(٤) أعظم العبادة أجراً أخفاها ← اسم التفضيل، مؤنث، خبر

- (٣) مزر ← اسم المكان ← ممر
(٤) تجر ← اسم المكان ← متجر

(رياضي ٩٩)

- (٢) رأيت مكتبة في مدينتنا كانت من أكابر مكاتب العالم!
(٤) يجب أن يكون لون جدار المطابخ خاصة في الأماكن العامة أبيض!

(انسانی ٩٩)

- (٢) أحب صديقي الذي يفكر في أعماله وأساليبه دائماً!
(٤) أسخط الصبور الشيطان بحلمه أمام المشاكل!

(خارج از کشور انسانی ٩٩)

- (٢) إن زميلي حسناً أحسن إخوته في العائلة!
(٤) زرت أطول الكهوف المائتة مع أحب أصدقائي!

١٥١١. عيّن ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) أتقى الناس من لا يخاف الناس من لسانه!
(٣) أعلم أن من جمع علم الناس إلى علمه فهو عليم!

١٥١٢. أي جواب لا يشتمل على اسم التفضيل:

- (١) لما انصرفنا نحو المدرسة شاهدت أكثر الطالبات!
(٣) إن أتقى الناس من هو يعمل لله!

- (١) واحد (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

- (١) خمسة (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

١٥١٥. عيّن ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) أكبر حيوان نراه حولنا هو الفيل!
(٣) أحسن إلى الناس كما تريد أن يحسنوا إليك!

١٥١٦. عيّن الخطأ في الجمع:

- (١) المكتبة ← المكتبات، المكاتب
(٢) المزرعة ← المزارع، المزرعات

١٥١٧. عيّن الاسم الذي يكون مؤنثه على وزن «فعلية»:

- (١) أحصى العباد نعم الله الكثيرة فينسوا!
(٣) صليت في المسجد الكبير ولم أشاهد أي مُصل!

١٥١٨. عيّن ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) هو في حياته أهدى مني كثيراً!
(٣) صديقي أهدى إلي كتاباً من مكتبته!

١٥١٩. عيّن ما فيه اسم التفضيل:

- (١) الشيخ أكرم هؤلاء الفقراء!
(٣) هو عصي ربه فندم على عمله!

١٥٢٠. عيّن الصحيح عن الكلمات التي أشير إليها بخط:

- (١) الغيبة من أهم أسباب قطع التواصل ← اسم التفضيل، مذكر، خبر
(٣) ذلك المطبخ لنا ونستفيد منه للطبخ! ← اسم المكان، مضاف إليه

١٥٢١. عيّن الصحيح في صياغة اسم المكان:

- (١) مكتب ← ممت ← كاتب
(٢) مطبخ ← اسم المكان ← مطبخة

١٥٢٢. عيّن ما فيه اسم التفضيل و اسم المكان معاً:

- (١) إن بعض المتاجر مفتوح إلى نهاية الليل!
(٣) نحب أن نشترى ما نريده بثمن أرخص ونوعية أعلى!

١٥٢٣. عيّن ما فيه اسم التفضيل:

- (١) لنبتعد عن الأعمال التي تجعل الأراذل يحكمون علينا!
(٣) كتب التلميذ واجباته متأخراً فما أرضى معلمه عنه!

١٥٢٤. عيّن ما فيه اسم التفضيل:

- (١) أحسن هذا الرجل المؤمن يكون واضحاً لكم!
(٣) أحسن أعمالى حتى أنجح في المستقبل!

١٥٢٥. عيّن وزن «أفعل» ليس اسم التفضيل:

- (١) أسقى الشباب، أخبرنا بنتيجة سعيه!
(٣) أهدى أخي عيوبى إلى بعد ما أصلح نفسه!

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۲) اَبی اَکرم جَمیع الزجال فی الحفلة!
۴) اَنَا اَکرم الناس فی مَدینتی!

- ۲) هل تَکتبُ لی رقم منزل صَديقک الإیرانی؟
۴) هل تَقْرأ مطالب علمیة من تاریخ مَکتبة جنَدی سابور؟

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۲) نَحْنُ اَبْدُلُ لِمَا فی اَیْدینا فی حَیَاتِنَا مِن غَیرِنَا!
۴) إِذَا غَلَبَ شَرُّ الزَّجْلِ خَیرُهُ قَبْلَ الشَّیْطَانِ عَینِیهِ!

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۲) ذلک خَیرُ لَکُم اِیماناً، وَ هذِهِ هِی اَثَمُ الکَلِمَةِ بِالنَّسْبَةِ لَنَا!
۴) نَحْنُ نَقِضُ عَلَیکَ اَحْسَنَ القِصَصِ!

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۲) کَسَبَ العِلْمُ اَحَبَّ اِلَیَّ مِن کَسَبِ المَالِ وَ الثَّرْوَةِ!
۴) السَّیِّدُ القَاسِمِ اَفْضَلُ مَعْلَمِینَا فَنَحْتَرِمُهُ جَمِیعاً!

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۲) صَدِیقِی اَلْاَفْهَمُ اَحْسَنُ اِلَیَّ وَ اَلدِّیةُ تَکْرِیماً لِهِمَا!
۴) نَتَخَبُ هَذَا الشَّابَّ مِن بَیْنِ الشَّابِّ وَ هُوَ اَعْلَمُهُم بِالقران!

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۱) «شِیحَانُ الَّذِی اَسْرَى بِعَیدِهِ لَیلاً مِنَ المَسْجِدِ الحَرَامِ اِلَیَّ المَسْجِدِ الاَقْصَى»
۲) وَ اَللّٰهُ مَا رَايْتُ مَا لَّا اَحِلُّ مِمَّا يَكْتَسِبُ مِنَ الزَّرَاعَةِ!
۳) اَکْرَمُ الناسِ لِاَعْمَالِهِمُ الحَسَنَةِ وَ لَا تَسْخَرُهُمْ!
۴) يَأْكُلُ الناسُ فِي امْرِيكَا الوُسْطَى اَلْاَسْمَاكَ اَلَّتِی تُمَطِّرُ السَّمَاءَ!

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۲) مِن اَهْمِ الحَسَنَاتِ اَنْ نَتَوَاضَعَ اَمَامَ اَقْرَبائِنَا وَ اَساتذتِنَا!
۴) خَیرُ العَمَلِ مَا هُوَ اَثَقِلُ فِي المِيزانِ وَ اَكْثَرُ اَجْراً!

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۲) هُوَلاءُ التَّلْمِیذاتِ اَفْضَلونَ مِن کُلِّ زَمِیلاتِهِنَّ!
۴) اِسْتَلَمْتُ رِسالَةً اُخْرى مِن اَخْتِی الکَبِری!

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۲) فِي هَذَا المَتَجَرِ المِلابِسِ ارْخِصْ مِغْرا رَایتَهُ!
۴) نَعْدِبُهُ اَسْماکَ الزَّینَةِ اَصْعَبُ جِذاً لِهُواتِها!

- ۲) اَرْضِی الناسَ مِن اَعْمالِهِمُ هُمُ العُلَماءُ وَ المَعْلَمونَ!
۴) مَا اَجْمَلُ غَایاتِ ما زَنَدِرانَ فَنَذِهبُ نَحِوْها!

(خارج از کشور السانی ۹۹)

- ۲) اِنَّ تَرْبِیةَ اَطْفالِ اَقْلٍ صَعوبَةٌ مِن اِصلاحِ الكِبارا!
۴) قِیمَةُ قِطْعَةٍ صَغِیرَةٍ مِن تِرابِ السَّاحِلِ عِنْدَ الفَرِیقِ اَثَمٌ مِن کُلِّ ذَهَبِ الارْضِ!

۱۵۳۶. عَیْنُ ما فِیهِ اِسمُ التَّفْضِیلِ:

- ۱) عَلِیُّ اَکْرَمُ الناسِ فِي کُلِّ الاَحْوالِ!
۳) المَومِنُ اَکْرَمُکُم عِنْدَ اللّٰهِ فَاکْرَمُوهُ!

۱۵۲۷. عَیْنُ اِسمِ المَکانِ یَخْتَلِفُ مَحَلُّهُ اَلْاِعْرابِیُّ عَنِ الباقِی:

- ۱) شَاهدتُ حُسنَ العَمَلِ فِي سَاحَةِ المِصْنَعِ فَهَذَا العَمَلُ جَیْداً!
۳) صَنَعَ هَذَا النِّجارُ المَحْمَلِ الجَمِیلِ المِلوْنَ!

۱۵۲۸. عَیْنُ اِسمِ ما یَدُلُّ عَلَیَّ اَشَدِّ الوَصفِ:

- ۱) العِلْمُ خَیرٌ ما شَاهدتُ وَ یُنْجِیکَ مِنَ الضَّلالِ!
۳) الکِتابُ الَّذِی کَانَ عَلَیَّ المِنضَدَةِ اَسْوَدَ اللّوْنِ!

۱۵۲۹. عَیْنُ العِبارَةِ الَّتِی لا تُؤخَذُ فِیها مُقايِسةٌ:

- ۱) اَنَا اَعْلَمُ بِنَفْسی مِن غَیری فَا رَحِمَ صَعْفَ بَدَنِی!
۳) قُولوا لِلناسِ اَحْسَنَ ما تُحِبُّونَ اَنْ یُقَالَ لَکُم!

۱۵۳۰. عَیْنُ اِسمِ التَّفْضِیلِ یَخْتَلِفُ مَحَلُّهُ اَلْاِعْرابِیُّ عَنِ البقیةِ:

- ۱) «وَ اَدْخَلْنَا فِي رَحْمَتِکَ وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمِینَ»
۳) ما وَجَدْتُهُ حَتّٰی اَنْ اَلآنَ فَهُوَ خَیْبَةُ اَلْاَمْلِ، لَکِنِ اَلْاَمْلُ اَفْضَلُ لَنَا!

۱۵۳۱. عَیْنُ اِسمِ التَّفْضِیلِ یَخْتَلِفُ فِي التَّرْجِمةِ:

- ۱) هُوَلاءُ المُجاهِدونَ مِن اَشْجَعِ الشَّبابِ فِي بِلادِنَا!
۳) اَجْمَلُ الوَرودِ فِي هَذِهِ الحَدِیقَةِ الصَّغِیرَةِ اَحْمراً!

۱۵۳۲. عَیْنُ اِسمِ التَّفْضِیلِ یَخْتَلِفُ فِي التَّرْجِمةِ:

- ۱) اَحْتَرَقَ اَکْبَرُ البِیوتِ فِي هَذِهِ القَرْیَةِ لَیلةً اَمْسَ!
۳) اسْتَطَعْتُ اَنْ اَقْرَأَ اصْعَبَ الکِتابِ فِي مَجالِ اَلْادَبِ!

۱۵۳۳. عَیْنُ ما لَیْسَ فِيهِ اِسمُ التَّفْضِیلِ:

- ۱) «شِیحَانُ الَّذِی اَسْرَى بِعَیدِهِ لَیلاً مِنَ المَسْجِدِ الحَرَامِ اِلَیَّ المَسْجِدِ الاَقْصَى»
۲) وَ اَللّٰهُ مَا رَايْتُ مَا لَّا اَحِلُّ مِمَّا يَكْتَسِبُ مِنَ الزَّرَاعَةِ!
۳) اَکْرَمُ الناسِ لِاَعْمَالِهِمُ الحَسَنَةِ وَ لَا تَسْخَرُهُمْ!
۴) يَأْكُلُ الناسُ فِي امْرِيكَا الوُسْطَى اَلْاَسْمَاكَ اَلَّتِی تُمَطِّرُ السَّمَاءَ!

۱۵۳۴. اَبی عِبارَةٌ تَشْتَمِلُ عَلَیَّ اِسمِینِ یَدُلّانِ عَلَیَّ التَّفْضِیلِ:

- ۱) اَحَبُّ العَمَلِ الخَیرُ الَّذِی یَنْفَعُ الناسَ وَ یَبْقِی لِلْاَخْرِینِ!
۳) اَحَبُّ عِبادِ اللّٰهِ مَن یُرْسِدونَ الْاَخْرِینَ اِلَیَّ الصِّفَاتِ الطَّیْبَةِ!

۱۵۳۵. عَیْنُ الخَطَا: (عَنِ اِسمِ التَّفْضِیلِ)

- ۱) لا یُومِنُ الحَنِیفُ اِلَّا بِاللّٰهِ لِانَّ کَلِمَةَ اللّٰهِ هِیَ العُلَیاءُ!
۳) سورَةُ البَقْرَةِ اطْوَلُ سورَةٍ فِي القُرانِ المَجِیدِ!

۱۵۳۶. عَیْنُ اِسمِ التَّفْضِیلِ یَخْتَلِفُ مَحَلُّهُ اَلْاِعْرابِیُّ عَنِ الباقِی:

- ۱) سَمَكَةُ السَّهْمِ مِن اَعْجَبِ اَلْاَسْماکِ فِي الصَّیْدِ!
۳) تَنْتَخِبُ ابْنَتِی قَمِیصاً اَخْضَراً وَ اَحْمَراً خَیْراً!

۱۵۳۷. عَیْنُ اِسمِ یَدُلُّ عَلَیَّ الزَّجْحانِ (التَّرْجِیحِ):

- ۱) اِنَّ اَلْاَحْمَقَ یُرِیدُ اَنْ یَنْفَعَكَ فِیضْرُکَ!
۳) اَحَدتُ هَذَا الثَّوبَ اَلْاَخْضَرَ النِّشاطِ فِي فَرِیقِنَا!

۱۵۳۸. عَیْنُ الخَطَا عَنِ اِسمِ التَّفْضِیلِ:

- ۱) اَهْدِی صَدِیقِی اَلْاَکْبَرَ اِلَیَّ اُمِّی وَرَدَةً اَحْمَرَ مِن کُلِّ الوَرودِ!
۳) یَقولُ الطَّالِبُ النِّشیطُ بَعْدَ اِنْتِهاءِ اَلْمِتاحَناتِ: لا لَذَّةَ اَجْمَلُ مِنَ التَّعَلُّمِ!

۱۵۳۹. عَیْنُ هَا اُخْرى لَیْسَ اِسمُ التَّفْضِیلِ:

- ۱) لَوْلِمَ یَکْتَشِفُ هَا اَلدِّیسونُ هَا الکَهْرِباءُ، لَکَانَ یَکْشِفُها عَالِمُ اُخْرى!
۳) ما کُنْتُ اَعْرَفُ اَنْ خَلْفَ هَذِهِ الجِبالِ، عَالِماً اُخْرى!

- ۲) هَذَا اُخْرى اِختِراعِ جَدِیدِ اَلْعُلَماءِ!
۴) لَیغْتَمِدُ اَلْاِنسانُ عَلَیَّ نَفْسهِ لا عَلَیَّ اِنسانِ اُخْرى!

١٥٤٠. عَيِّنْ اسْمَ التَّفْضِيلِ صَفَةً:

- (١) شاهدتُ في الكتاب سؤالاً أصعب من أسئلتك!
(٣) ثروتك أكثر ولكن هل تساعدك في المهالك!

١٥٤١. في أي جواب ما جاء اسم يدل على الرجحان؟ (الترجيح)

- (١) الغيبة أهم أسباب قطع التواصل بين الناس!
(٣) تنصحننا الآية الأولى وتقول: لا تعيبوا الناس الكرام!

١٥٤٢. عَيِّنْ جَوَاباً مَا جَاءَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) أيُّ الطريقين أفضل بين سوء الظنِّ وحُسْنِهِ؟
(٣) واعلم أن حياة الدنيا ليست أمام الآخرة إلا شيئاً قليلاً!

١٥٤٣. عَيِّنْ كَلِمَةً «خَيْرًا» بِمَعْنَى «الْحَسَنَةِ»:

- (١) الذي أهدى إليكم عيوبكم من خير أصدقائكم!
(٣) من انتفع الناس بعمله فهو خيركم حقاً!

١٥٤٤. عَيِّنْ اسْمَ التَّفْضِيلِ بِمَعْنَى «صَفَتْ عَالِيًا» فِي الْفَارْسِيَّةِ:

- (١) أكرم أصدقائي من هو يحب الآخرين في قلبه!
(٣) نتمنى أن نتخلص من شر أعدائنا الغاصبين!

١٥٤٥. عَيِّنْ كَلِمَةً «شَرًّا» لَيْسَتْ لِلتَّفْضِيلِ:

- (١) لقد تعلمنا من التعاليم الدينية والأخلاقية أن الإنتقام شر من العفو!
(٣) إن شر الناس عند الله الذين لا يعقلون في آياته!

١٥٤٦. عَيِّنِ الْجَوَابَ الَّذِي مَا جَاءَ فِيهِ اسْمُ الْمَكَانِ:

- (١) معاير هذه الشوارع بحاجة إلى التغيير!
(٣) هناك مناظر رائعة تخب العيون!

(كانون فرهنكي آموزش)

- (٢) أريد المسافرة إلى بلدي من طريق هو أحسن!
(٤) هذا قميص قد لبسته وهو أفضل من الباقي!

(كانون فرهنكي آموزش)

- (٢) اللهم أعوذ بك من شزلساني، فإنه وسيلة لتحصيل العذاب!
(٤) إن من شز الناس عند الله الذين لا يعقلون في آياته!

(٢) تعلمت المكارم والمحامد معاً!

(٤) موعدنا غداً جنب ساحل البحر إن شاء الله!

١٥٤٧. كم اسم مكان يوجد في العبارة التالية؟ «في أحد المعارك جرح جندي بشدة وحمله المجاهدون نحو مأمن جنب خندق عظيم حينئذ نظر إلى مغرب الشمس قائلاً هنا مقتل أعداء إيران وبعد قليل التفت جروحه وذهب إلى بيته لعمدة!»

- (١) واحد (٢) ثلاثة (٣) أربعة (٤) خمسة

١٥٤٨. عَيِّنْ مَا فِيهِ اسْمُ الْفَاعِلِ وَاسْمُ الْمَكَانِ مَعاً:

- (١) المُتْكَاسِلُ هُوَ الَّذِي مَا نَجَحَ فِي امْتِحَانَاتِ نَهَايَةِ الْفَصْلِ!
(٣) الشَّرْطِيُّ يُفْتَشُّ عَنْ حَقَائِبِ الْأَشْخَاصِ فِي الْمَطَارِ!

١٥٤٩. عَيِّنْ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ الْمَكَانِ:

- (١) ذهب نحو المطاعم التي شاهدتها في طريقي!
(٣) خرج الإمام من محل الشريقول: هتوا!

١٥٥٠. عَيِّنْ اسْمَ الْمَكَانِ:

- (١) كان مَبْدَأَ كِتَابِي رِسَالَتِي قَبْلَ شَهْرَيْنِ!
(٣) صديقي مُظْهِرُ الْحَقِّ دَائِمًا لَصَدْقِهِ!

١٥٥١. عَيِّنِ الْجَوَابَ وَالْوَصْفَ حَوْلَ «الْعِلْمِ» فِيهِ أَشَدُّ مِنَ الْبَاقِي:

- (١) جاء الرجل العلامة من السفارة العلمية!
(٣) العالم يكتب على اللوحة جملة!

١٥٥٢. مَيِّزْ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ وَاسْمُ الْفَاعِلِ وَاسْمُ الْمَفْعُولِ وَاسْمَ الْمَكَانِ مَعاً:

- (١) هم أقرب المادحين في المحامد للنبي الأكرم!
(٣) المسلم يُمَيِّزُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ، وَيَعْرِفُ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ!

١٥٥٣. عَيِّنْ مَا فِيهِ اسْمُ الْمَكَانِ:

- (١) اشتريت أساور لصدقتي بمناسبة ميلادها!
(٣) يجب على الطبيب أن يبذل كل جهده في معالجة المرضى!

- (٢) موعدنا عند طلوع الشمس يا أخي!
(٤) شاهدت المفضل الذي يستفيد الناس منه!

- (٢) شاهدت الطالبات في المدرسة الكبيرة رجلاً!
(٤) هذا الطالب مقرباً له لم يطالع الدروس جيداً!

(٢) فهمت أن أعلم الناس يعمل لهم!

(٤) أعلم السرفي الطرق السهلة للنجاح!

- (٢) يا مؤمنة احفظي عينك في محافل فيه التجار!
(٤) لن يسمح المظلومون للكفار بتخريب المسجد الأقصى أبداً!

(٢) اللهم! أنت منزل الكتاب، سريع الحساب!

(٤) هذا لاعب سجل هدفاً في مرمى فريقه!

۱۵۵۴. کم اسم الفاعل و اسم المفعول و اسم المكان و اسم التفضيل جاءت في العبارة؟ قال حارس المرمى: أحسن أعمالك يا أخي! فاشتاق الخدام لمشاهدة اللعب لأنهم فهموا أن خير كرة القدم هو سعي اللاعبين بشكل جمعي!
- (۱) أربعة (۲) خمسة (۳) ثلاثة (۴) ستة
۱۵۵۵. عین الجواب الذي ليس فيه اسم المكان مفعولاً:
- (۱) ازدادت مع نزول المطر منازل تُبنى حول الغابة!
(۲) لا نُحِبُّ المَلَقَب إلا في زمن مباراة كرة القدم!
(۳) شاهدت في ساحة المدرسة مكتبة كبيرة للمطالعة!
(۴) مررتُ بشارع و صديقي يفتح متجره لبيع البضائع!
۱۵۵۶. عین اسم التفضيل خيراً:
- (۱) يا أخي! قلبُ الناسِ لِأَجودِ الحُكَماءِ!
(۲) هذه أشهر جُعِلت لتكريم الشهداء والأئمة!
(۳) أكرمُ الرجالِ في الحفلة أقبَلُ على أسرة شهيد!
(۴) الذي يُصَلِّي و قلبه لله أشدَّ إيماناً!
۱۵۵۷. عین الجواب لا يدلُّ على المكان في المعنى:
- (۱) المُستوصف - المُتخف (۲) المُستنقع - المُختبر (۳) المَخِيل - المَطَار (۴) المفسدة - المَرْحمة
۱۵۵۸. عین الاسم يدلُّ على الأولوية:
- (۱) أشهر الكتاب كتب مقالةً حديثةً حول الرياضة!
(۲) أكرم الناس كثيراً حتى تدوم المروءة بينهم!
(۳) وصلتُ إلى المحفل في أواخر الخطبة الثانية!
(۴) أكمل في العمل تبخراً لتكون راحتي في كبرى!
۱۵۵۹. في أي جواب لم يذكر اسم التفضيل:
- (۱) خير الكتاب كثيرٌ وأثمنه هو أن يساعدك دون توقُّع!
(۲) أكابر القوم جاؤوا نحو المسجد حتى يُعِينوا زمن العمل!
(۳) خير المؤمنين المتقين هو الإنفاق الخفي!
(۴) ما أجمَلُ عند الله هو التوكُّل الحقيقي عليه!
۱۵۶۰. عین الاسم يدلُّ على الفضيلة:
- (۱) أكرم الناس من يُحِبُّ التقدُّم أسبوعاً ماضياً!
(۲) أكثر الطلاب اليوم عند مطالعة الدروس في الكلام!
(۳) خير ربنا العدالة ولن يفرَّ أحد منها!
(۴) أحسن الرجال إلى الله من لا يترك الصلاة!
۱۵۶۱. عین ما ليس فيه اسم التفضيل:
- (۱) أخلص الأصدقاء هم الذين لا يدعونك في الشدة!
(۲) أقل الرجل في العمل، ففضب الملك!
(۳) أكرم الناس أعلمهم لأنه يفيدهم!
(۴) أبعد عنا شر أعمال لا تُحِبُّها!
۱۵۶۲. ما هو الصحيح حول التوضيحات للكلمات المعينة؟
- (۱) المشاهد التي شاهدتها مخوفة ← اسم الفاعل . على وزن «مفاعل»
(۲) كان صديقي مخرج الكتاب من هناك ← اسم المكان على وزن «مفعل»
(۳) لي ملابس في المعامل ← كلاهما اسم المكان والجمع
(۴) المجالس الحسن يحترمك احتراماً صادقاً ← اسم الفاعل ومذكر
۱۵۶۳. عین الصحيح حول الإيضاحات؟
- (۱) شر الناس يصل إلى أنفسهم عادةً ← اسم التفضيل
(۲) سافرتُ إلى المناطق الإستوائية كثيراً ← اسم المكان
(۳) عشتُ في أماكن عديدة أُرِدُّرَاسَتِي ← اسم التفضيل
(۴) شر هذه المدينة هو الإزدحام ← بمعنى «سَيِّئة»
۱۵۶۴. عین اسم التفضيل:
- (۱) خير أبي شراء الكتب وأنفس الآثار!
(۲) تذكَّرتُ صفري ففرحت بذكره كثيراً!
(۳) أحبُّ كبرى لأنَّ فيه تجارب قيِّمة!
(۴) لا يتبين فضلي الحقيقي إلا بعد انتصاري!
۱۵۶۵. ما هو غير الخطأ حول الإيضاحات؟
- (۱) اشترى أبي المحافظ التي كانت أمامنا ← اسم الفاعل من «مفاعلة»
(۲) أحبُّ الزَّوَّار في مشهد وأحترمه بالفاء ← جمع «الزائر» و هو اسم الفاعل
(۳) كان في المسجد خُدَّاماً يعملون لراحتنا ← اسم الفاعل من مجرد
(۴) المقاتل تحكى لنا قصص الحرب المُرَّة ← اسم الفاعل من «مفاعلة»

۱۲-۵ (گزینه ۴) «أعظم ذنب» بزرگترین گناهی است که... (رد سایر گزینه‌ها). «یفتح» که باز می‌کند جمله وصفیه است پس با «که» ترجمه می‌شود نه «در حالی که» (رد ۱ و ۳).
 ۱۲-۶ (گزینه ۳) «وجدت» یافتم (رد ۱ و ۴). «أقوی مصدر» نیرومندترین منبعی است. اسم تفضیل و نکره است (رد ۱ و ۲). «الشمس» بدون اسم اشاره است (رد ۴). همچنین بتواند در گزینه (۴) اضافی است.

۱۲-۷ (گزینه ۲) «كثیراً من» بسیاری از (رد ۱ و ۴). «خبر له» برایش بهتر است. اسم تفضیل است (رد ۳ و ۴).

۱۲-۸ (گزینه ۳) «تقول» مضارع است (رد ۱ و ۲). «لا تجادل» جدل مکن. فعل نهی است (رد ۴). «الی ما» به آنچه (رد ۱). «لا یستمع» مضارع منفی است (رد ۲).
 ۱۲-۹ (گزینه ۴) «لا یسخر» مسخره نکند. نباید مسخره کند. «لا» نهی است.

۱۲-۱۰ (گزینه ۳) «أحت» دوست داشتنی‌ترین. محبوب‌ترین اسم تفضیل است نه فعل مضارع (رد ۱ و ۴). «أحت» دوست دارم. فعل مضارع است. «بعمل» و «یلمز» مفرد هستند نه جمع (رد ۲).

۱۲-۱۱ (گزینه ۲) «بأدلة أحسن» با دلایل بهتری (رد ۱ و ۴). «تأتی بی بیآوری» (رد ۴). «یفتح» قانع شود. مجهول است (رد ۳ و ۴). «یستمع» گوش می‌دهد. مضارع است (رد ۱).

۱۲-۱۲ (گزینه ۲) «ما أجمل» چه زیباست (رد ۱ و ۴). «أن تُقدّم لأبنائک» به فرزندانت تقدیم کنی (رد ۴). «قواعظ قیمّة» بندهایی ارزشمند (رد ۳ و ۴). «تُرشد هم إلى المعرفة» آنان را به شناخت هدایت کند (رد سایر گزینه‌ها).

۱۲-۱۳ (گزینه ۱) «من أصبر الناس» از صبورترین مردم است (رد ۲). «المعائب المتتالية» گرفتاری‌های پیاپی ترکیب وصفی است (رد ۳). «حلت بنا» بر ما فرود آمد (رد ۴). «لم تغلب صبره» بر صبر او جیره نشده است (رد ۴).

۱۲-۱۴ (گزینه ۴) در گزینه (۱) کلمه «المجتمع» ترجمه نشده است. در گزینه (۲) کلمه «مشکل» مفرد آمده است. در گزینه (۳) «المشكلات التي» باید همراه «ی» به صورت «مشکلاتی» که ترجمه می‌شد.

۱۲-۱۵ (گزینه ۴) «أفضل ما» بهترین چیزی که (رد ۱ و ۲). در ضمن «صعوبات» به معنای «سختی‌ها» و جمع است (رد سایر گزینه‌ها).

۱۲-۱۶ (گزینه ۴) «عیوبه الأخری» عیب‌های دیگرش (رد ۱). «أكمل» کامل‌تر (رد ۲). «قد» قبل از فعل مضارع معنای «گاهی» شاید. ممکن است می‌دهد. همچنین «نشاهد» فعل مضارع است (رد ۳).

۱۲-۱۷ (گزینه ۳) «ینتفع بهم» از آنان سود می‌برد (رد ۱ و ۲). «ضمناً» «بحدث» مضارع است (رد ۱). «هؤلاء خیر» اینان بهترین هستند (رد ۴). «العباد» بندگان. «العتاد» پرستش‌کنندگان (رد ۱).

تسوی: حواستان باشد که مبتدا و خبر جابه‌جا ترجمه نشوند!

آنت عالم ← تو دانشمند هستی دانشمند تو هستی

هؤلاء خیر الناس ← این‌ها بهترین مردم هستند بهترین مردم این‌ها هستند

۱۲-۱۸ (گزینه ۳) «هؤلاء أباء وأمهات» این‌ها پدران و مادرانی هستند (رد ۲). «تیرشدون» راهنمایی می‌کنند. فعل متعدی و دارای مفعول (کلاً) است (رد ۲ و ۴). ضمیر «أولادهم» در گزینه (۱) ترجمه نشده. «أطیب الصفات» پاکیزه‌ترین ویژگی‌ها (رد ۱). «و» به معنای «و» نمی‌باشد (رد ۱ و ۲). «أصلح الأعمال» شایسته‌ترین کارها (رد ۱).

۱۲-۱۹ (گزینه ۴) «أولئک» آن‌ها در گزینه (۱) به صورت «این‌ها» ترجمه شده. ضمناً «یش» را با «چه» ترجمه نمی‌کنیم. «الظالمون» اسم و جمع است نه فعل (رد ۲). «من لم یتب» مفرد است نه جمع (رد ۳).

۱۲-۲۰ (گزینه ۲) «أستانا أرخص» پیراهن زنانه ارزان‌تری (رد سایر گزینه‌ها). «لأنه» زیرا او (رد ۳ و ۴). «فساتین» پیراهن‌های زنانه‌ای (رد ۴). «أسعار رخيصة» قیمت‌های ارزانی. قیمت‌هایی ارزان (رد ۱ و ۳).

وینامینه» به ساختار کلمه «أرخص» که اسم تفضیل. بر وزن

«أفقل» و به معنای «ارزان‌تر» است. دقت کنید و آن را با «ارخص»

به معنای «ارزان» اشتباه نگیرید.

۱۲۸۹ (گزینه ۳) در این عبارت «الفعال (جمع العامل) و «المجدون» اسم فاعل هستند و هیچ اسم مبالغه‌ای وجود ندارد. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «المُتکبر» اسم فاعل. «المُتکبر» اسم مبالغه. ۲ «حاذق» اسم فاعل. «فهامة» اسم مبالغه. ۳ «الماهر» اسم فاعل. «النظارة» اسم مبالغه.

۱۲۹۰ (گزینه ۴) «الزّسلم» اسم مبالغه. «علما» جمع «عالم» اسم فاعل و «عصر» مضاف‌الیه است. در گزینه (۱) اسم مبالغه. در گزینه (۲) اسم فاعل و در گزینه (۳) مضاف الیه نداریم.

۱۲۹۱ (گزینه ۲) به دنبال اسم مبالغه‌ای می‌گردیم که نقش فاعل داشته باشد. در گزینه (۲). «الكذاب» اسم مبالغه به معنای «بسیار دروغگو» و دارای نقش فاعل برای فعل «نظر» است. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «الفعال» جمع مكثر العامل است و اسم مبالغه نیست (اسم فاعل محسوب می‌شود). ۳ «السباح» اسم مبالغه است. اما نقش مفعول را برای فعل «لم تشهد» دارد. ۴ «الکتاب» جمع مكثر الکتاب است و اسم مبالغه نیست. (اسم فاعل محسوب می‌شود).

۱۲۹۲ (گزینه ۲) تمام کلمات بر وزن «فعل. ففالة» مبالغه هستند. دقت کنید در گزینه (۴) بانوجه به فعل «ذهب» (می‌رود) اسم فاعل داریم نه مصدر. «المحافظة» خانم محافظ.

۱۲۹۳ (گزینه ۳) «هواة» جمع «هاوی» و اسم فاعل است. «السباح» و «عشاق» جمع مکسرند (السائح - عاشق) چون فعل بعدشان جمع است و «قاتل» هم فعل امر از باب مفاعلة است (با دشمنان بجنگ).

۱۲۹۴ (گزینه ۴) بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «مُتدرج» (اسم فاعل از باب انفعال. لازم است و اسم مفعول ندارد). ۲ «المزارع» رج الفزرعة. (صفت آن مفرد مؤنث است). ۳ «مُشاهدة» (اسم فاعل) تو ببیننده همه کارهای من هستی حالت درست هستند.

۱۲۹۵ (گزینه ۴) بررسی گزینه‌ها: ۱ تمام اسم‌های مبالغه از مصدر ثلاثی مجرد هستند. «علم» مشاور را دیدیم در حالی که کتاب می‌خواند «المُشاورة» اسم فاعل مؤنث است. ۲ بانوجه به «جاه» و «مسروا» که مذکر هستند. پس «الفهامة» بیانگر مذکر است (الذی يفهم ويعلم کثیراً). ۳ «الطيارة» یعنی هواپیما و بیانگر حیلان مؤنث نیست.

۱۲۹۶ (گزینه ۱) «ببندة» من یک مرد است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب فعل داریم: شاهدنی ← تون وقایه دارد. (مرد مرا دید). شاهدی رجلاً ← مردی را بین (رجلاً) منصوب آمده پس مفعول است. شاهد الرجل ← مرد را بین.

۱۲۹۷ (گزینه ۴) «جوال» یعنی کسی که بسیار در رفت‌وآمد است. با توجه به وجود «يستقبل» استقبال می‌کرد. پس نمی‌تواند به معنای «تلفن همراه» باشد. ضمناً در کتاب درسی در درس دوم سال دوازدهم اشاره شده که «جولة» گردش.

درس اول

پایه یازدهم

۱۳۹۸ (گزینه ۴) «بفتخر» مضارع است ولی در سایر گزینه‌ها به صورت ماضی استمراری ترجمه شده است. ضمناً «کلاهما أسوة»... به زمان حال است نه گذشته (رد ۱ و ۳). «الجميع العالمين» برای همه عالمیان. «جهانبان» کلمه جمع معنانشده است (رد سایر گزینه‌ها). «أسوة» نکره است (رد ۲ و ۳). «قتل» ماضی مجهول است (رد سایر گزینه‌ها).

۱۳۹۹ (گزینه ۴) «النعم» جمع «النعمة» است و مفرد نیست (رد ۱ و ۳). «الحياة» ضمیر ندارد (رد ۱ و ۲). «رئی الحنون» پروردگار مهربانم. مهربان خود (رد ۲ و ۴).

۱۴۰۰ (گزینه ۱) «قررت» قرار گذاشتم. مفرد است (رد ۲ و ۳). «الصغير» کوچک. اسم تفضیل نیست (رد ۲ و ۳). «المتحف» موزه. مفرد است (رد ۲ و ۴). «لنثار المتحف التاریخیة» آثار تاریخی موزه دقت کنید. «لنثار تاریخیة» صفت برای «لنثار» است (رد سایر گزینه‌ها).

۱۴۰۱ (گزینه ۴) «صیدها» صید خود (رد سایر گزینه‌ها). «أعجب الأسماك» عجیب‌ترین ماهی‌ها. شگفت‌ترین ماهی‌ها. «أعجب» اسم تفضیل است و چون بعد از آن مضاف‌الیه آمده همراه «ترین» ترجمه می‌شود. ضمناً «الأسماك» معرفه است و نباید به صورت نکره (ماهیت) ترجمه شود (رد سایر گزینه‌ها). «تأکل» فعل مضارع است (رد ۲ و ۳).

۱۴۰۲ (گزینه ۱) «أحسن» نیکوتر. اسم تفضیل است (رد ۲). «بپروردگارت» ضمیر در گزینه (۳) ترجمه نشده است. «أدع» دعوت کن. فراخوان. فعل امر است و نباید به صورت اسم ترجمه شود (رد ۳ و ۴). همچنین در گزینه (۲) «سخنن» خوب و زیبا. اضافی است.

۱۴۰۳ (گزینه ۴) «من» هرکس (رد ۲ و ۳). «لم یکن له» نداشته باشد. نداشت (رد ۱ و ۲). «لم یکن له» نخواهد داشت (رد ۲ و ۳).

۱۴۰۴ (گزینه ۴) «أقرب شخصی» نزدیک‌ترین فرد (رد ۱ و ۲). «بعیداً» دور. اسم است (رد سایر گزینه‌ها). در گزینه (۳) «کسی» که اضافی است.

۱۴۴۲ **گزینه ۲** برضی سایر گزینه‌ها ۱. «ما اجمل...» به معنی «... چه زیباست» ترجمه می‌شود. ۲. «الذموع» جمع مکتبر به معنی «اشک‌ها» و «عین» نیز جمع مکتبر به معنی «چشم‌ها» است. ۳. «أعلم» اسم تفضیل و به معنای «داناتر» است. همچنین «أفواء» به معنی «دهان‌ها» است.

۱۴۴۳ **گزینه ۲** کلمه «فرد» شخصاً فقط در گزینه (۲) تعریف شده (در سایر گزینه‌ها)، در گزینه (۱) «المشغبین» اضافی است، «شاگردانش» طلبه باید به همراه ضمیر بیاید (رد ۳)، «تعلیم می‌دهد» فعل «یتعلم» به معنای «یاد می‌گیرد» است (رد ۴).

۱۴۴۴ **گزینه ۱** «عالم‌ترین مردم» «أعلم الناس» ترکیب اضافی است پس بدون «ال» می‌آید و نیازی به «من» ندارد (رد سایر گزینه‌ها)، «افزود» جمع فعل ماضی است نه مضارع (رد ۲ و ۳). کلمه «من» در گزینه‌های (۳) و (۴) اضافی است.

۱۴۴۵ **گزینه ۴** «چیزی» شیء «نکره» است (رد ۱ و ۲)، «سنگین‌تر» «أثقل» اسم تفضیل است (رد ۲ و ۳)، «ترازو» معرفه است (رد ۱ و ۲).

۱۴۴۶ **گزینه ۲** «رحمت» تعب اسم است نه فعل (رد ۱)، در گزینه‌های (۳) و (۴) «اشتباهاتشان» بدون ضمیر آمده است، «بیشتر» اکثر اسم تفضیل است (رد ۱ و ۲).

۱۴۴۷ **گزینه ۲** «بزرگ‌ترین» «أعظم» اسم تفضیل است (رد ۱)، در گزینه (۳) «لأنهما» زیرا اضافی است ضمناً «بزرگ‌ترین ثروت ما» باید به عنوان مبتدا در اول جمله بیاید نه به عنوان خبر و آخر جمله، در گزینه (۴) «الذی» اضافه است، ضمناً در عبارت فارسی دو تا حرف «و» داریم ولی در سایر گزینه‌ها یک حرف «و» آمده.

۱۴۴۸ **گزینه ۲** «اشتباهات» جمع است نه مفرد (رد ۱) و ضمیر ندارد (رد ۳)، «امروز» مفرد است (رد ۳)، «کوچک‌ترین اشتباهات» «أصغر الأخطاء» (رد سایر گزینه‌ها)، «فضیلت‌ها» الفضائل (رد سایر گزینه‌ها).

۱۴۴۹ **گزینه ۴** «تو» أنت، «آنک» مذکر، أنت، «آنک» مؤنث، «شلواری‌های بهتری» سراویل أفضل (رد ۱ و ۲)، «می‌خواهی» تُريد (مذکر)، تُريدین (مؤنث)، «قیمت‌های آن‌ها» أسعارها (رد ۱ و ۲)، «هفتاد و نه هزار تومان» تسعة و سبعين ألف تومان (رد ۱ و ۲).

شیرطشک ۱. ترجمه شدن «إن» اختیاری است. ۲. در اعداد دو رقمی ابتدا یکان و سپس دهگان می‌آید.

۱۴۵۰ **گزینه ۳** «پدر و مادرها» الآباء والأمهات (رد ۱ و ۲)، «با دلسوزی» مشفقین (رد ۲ و ۴)، «بهترین ویژگی‌ها» أفضل الخصال (رد سایر گزینه‌ها)، «نیکوترین کارها» أحسن الأعمال (رد سایر گزینه‌ها)، «یاد می‌دهند» يعلم (رد ۲).

۱۴۵۱ **گزینه ۱** «بهترین بندگان خداوند خیر عباد الله» (رد سایر گزینه‌ها)، «در زندگی» فی الحياة، ضمیر ندارد (رد ۴)، «به دیگران سود می‌رسانند» ینفعون (آخرین) (رد ۲ و ۴).

۱۴۵۲ **گزینه ۱** «یک ساعت تفکر» تفکر ساعة (رد سایر گزینه‌ها)، «عبادت» عبادة مفرد است (رد ۲ و ۴)، «هفتاد سال» سبعين سنة (رد ۳ و ۴).

۱۴۵۳ **گزینه ۲** «وارد کردن شادی» إدخال السرور (رد ۱ و ۳)، «دخول» به معنای «وارد شدن» است، «به دل‌های مؤمنان» علی قلوب المؤمنین (رد ۳)، «از بزرگ‌ترین کارهایی است که» من أعظم الأعمال التي... (رد ۱ و ۴)، «خداوند آن را دوست دارد» یحبها الله، فعل متناسب با «الله»، به صورت مذکر می‌آید، اما ضمیر «ها» متناسب با «الأعمال» به صورت مفرد مؤنث به کار می‌رود (رد ۱ و ۲).

۱۴۵۴ **گزینه ۴** «مدارس شهر» مدارس المدينة (رد ۲ و ۳)، «أفضل» من «نادرست» است (رد ۱)، «مدارس دیگر» معادل «المدارس الأخری» است چرا که «المدارس» جمع غیر انسان است و صفت آن به صورت مفرد مؤنث می‌آید (رد ۱ و ۲).

۱۴۵۵ **گزینه ۳** «گناهان کبیره» کسانی که از ما بزرگ‌تر هستند» تعریف «کیار» یا «اکابر» است، ترجمه سایر گزینه‌ها ۱. تقوای پیشه کرد (پروا کرد)، ترسید که چیزی را انجام دهد که خداوند او را زان نهی کرده است ۲. نجس برداختن به جمع آوری اطلاعات برای انتقال آن‌ها ۳. سبیده دم: صبح هنگامی که از تاریکی شب آشکار می‌شود

۱۴۵۶ **گزینه ۲** «توبه کننده» صفت برای کسی که خیلی توبه می‌کند» تعریف (تواب) است نه نائب، ترجمه سایر گزینه‌ها ۱. هر کس گناهی یا معصیتی مرتکب می‌شود: گناهکارا ۲. وسیله‌ای که با آن اشیاء وزن می‌شوند: ترازو ۳. کشف رازها برای بخش و گسترش آن‌ها: رسوا کردن ۱

۱۴۲۱ **گزینه ۳** «أحت» فعل است نه اسم تفضیل (رد ۲ و ۴)، «ینفع الناس» به مردم سود می‌رساند» (رد ۱ و ۲).

۱۴۲۲ **گزینه ۴** «الأخرین» دیگران، «قد حرم» ماضی است نه مضارع (رد ۱)، «العفات» صفت‌ها» (رد ۲)، در گزینه (۳) «حرم» حرام کرده است، به صورت مجهول یعنی «منع شده است» ترجمه شده.

۱۴۲۳ **گزینه ۲** «عوقب» کفر شد، مجازات شد» مجهول است (رد ۱)، «بسبب» به سبب» در گزینه (۳) ترجمه نشده است، در گزینه‌های (۳) و (۴) «التي» ترجمه نشده است.

دوبینگ وزن «فعل» مجهول «فاعل» است. **مثال:** «شاهد» دید، «شاهد» دیده شد.

۱۴۲۴ **گزینه ۴** «بئس الظلم» بد ظلمی است» (رد ۱)، «ینصحننا الناس» مردم ما را نصیحت می‌کنند» ضمیر «نا» هرگاه به فعل مضارع بچسبد، مفعول است (رد ۲)، «لا یحتمها» فعل است نه اسم (رد ۳)، همچنین در گزینه (۱) ضمیر «لا یحتمها» ترجمه نشده.

۱۴۲۵ **گزینه ۳** در گزینه (۱) «باعث» و «ما» اضافی است، «الإنتاج الأکثر» تولید بیشتر» ترکیب وصفی است (رد ۲ و ۴)، «هدف» هدف مفرد است نه جمع (رد ۲)، در گزینه (۴) هم به صورت نکره «هدفی» است که ترجمه شده است.

۱۴۲۶ **گزینه ۱** «صدیقی الحنون» دوست مهربانم» (رد ۲ و ۳)، «التخفیض الأکثر» تخفیف بیشتر» (رد سایر گزینه‌ها).

۱۴۲۷ **گزینه ۱** قبل از «نهانا» حرف «و» نداریم در واقع «نهی» جمله وصفیه است و با «که» ترجمه می‌شود (رد ۲ و ۴)، «أمرنا» امر شده ایم» فعل ماضی مجهول است نه معلوم و مضارع (رد ۲ و ۳).

۱۴۲۸ **گزینه ۴** «شر الناس من» بدترین مردم کسی است که» مبتدا و خبر باید درست و به ترتیب ترجمه شود (رد سایر گزینه‌ها)، «من» کسی که» وسط جمله است و شرطیه (هر کس) نیست (رد ۲ و ۳)، «باع» فروخت، فروخته است» (رد ۲).

۱۴۲۹ **گزینه ۳** «نشاهد» مضارع است نه ماضی (رد ۱)، «قد» قبل از مضارع به معنای «گاهی» شاید» است (رد ۴)، «أحدًا یكون» کسی را که... است» (رد سایر گزینه‌ها)، «نتعد» فعل لازم است نه اسم یا فعل متعدی (رد ۲ و ۴).

۱۴۳۰ **گزینه ۱** «ما اجمل» چه زیباست» (رد ۲ و ۴)، «نهاية» پایان» اسم است نه فعل (رد ۲ و ۳)، «لتبدأ» تا شروع کنی» چون «حياة» مفعول است (رد ۲ و ۳).

۱۴۳۱ **گزینه ۲** «یعرف» شناخته می‌شوند» فعل است، «بهما» با آن دو» (رد ۱)، «کلماتن» دو کلمه‌ای (دو واژه‌ای)» نکره است (رد ۴)، «خیر الاعمال و شرها» بهترین و بدترین اعمال» چون «خیر» و «شر» مضاف شده اند اسم تفضیل هستند (ترین)» «حی» اشتاب» (رد ۳)، «علی خیرها» به سوی بهترینش» (رد سایر گزینه‌ها).

۱۴۳۲ **گزینه ۳** ترجمه درست» دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است».

۱۴۳۳ **گزینه ۲** «لینتموا» تا کامل کننده فعل معلوم و متعدی است.

۱۴۳۴ **گزینه ۳** «ارخصی» ارزان تر» (اسم تفضیل است).

۱۴۳۵ **گزینه ۲** «أعطانی» به من داد» فعل ماضی است و «أعطنی» «أعطیتی» به من بده» فعل امر است.

۱۴۳۶ **گزینه ۳** «ینهی» فعل مجهول است» (دیگران باز داشته می‌شوند)

۱۴۳۷ **گزینه ۱** «الإنهزاء» مسخره کردن» تمسخر»

۱۴۳۸ **گزینه ۴** «أهلك» در این گزینه فعل ماضی است و اسم تفضیل نیست زیرا «الناس» مفعول است نه مضاف الیه (الناس)» (دو چیز مردم را هلاک کرد).

۱۴۳۹ **گزینه ۴** ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها ۱. بدترین انسان از بین مردم (انسان) دور است» ۲. «میان‌ترین آن‌ها» ۳. «موفق‌ترین دانش‌آموزان کسی است که بسیار تلاش می‌کند».

۱۴۴۰ **گزینه ۳** ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها ۱. امروز دینتان را برایتان کامل کردم. ۲. اگر فرومایگان فرمانروا شوند، شایستگان هلاک می‌شوند. ۳. «الأفاضل» فاعل است نه مفعول ۴. «أعلم» بدان» فعل امر است.

۱۴۴۱ **گزینه ۱** «بینک» خانه خود» (رد ۲)، «المدارس» جمع است (رد ۴)، «در استک» درس خواندنت» «تنجح» موفق می‌شوی» (رد ۴).

۱۴۵۷ (گزینه ۴) اللحم، گوشت، ترجمه گزینه‌ها ۱ آن را به عنوان غذا همراه نان یا برنج می‌خوریم. ۲ از اعضای بدن انسان و حیوانات است. ۳ مردم آن را برای ناهار یا شام می‌خورند. ۴ آن قبل از بخت یا بعد از آن مناسب خوردن است. گوشت، قبل از بخت، مناسب خوردن نیست.

۱۴۵۸ (گزینه ۴) ترجمه گزینه‌ها ۱ رابطه میان دو دوست به شکل مستمر؛ ارتباط. ۲ از انجام آنچه خداوند از آن نهی کرده ترسید، تقوا پیشه کرد. ۳ خروج از اطاعت خداوند به معصیتش: آلوده شدن به گناه. ۴ چیزی که شگفتی دیگران را برمی‌انگیزد: خودپسندی، جمله مذکور تعریف، مُفجَب: شگفت‌آور است.

۱۴۵۹ (گزینه ۲) التَّجَنُّسُ، جاسوسی کردن، ترجمه گزینه‌ها ۱ تلاش ناپسند برای کشف رازهای دیگران. ۲ رسوا کردن مردم با ذکر عیب‌هایشان یا سخن پنهانی. (این عبارت تعریف غیبت است) ۳ آن از گناهان بزرگ در دین اسلام و از بدی‌ها است. ۴ خداوند در قرآن مؤمنین را از آن بازداشته است.

۱۴۶۰ (گزینه ۲) مُحْتَب: محبوب‌ترین، دوست داشتنی‌ترین، اسم تفضیل است نه فعل، «أصدق» راست‌گوترین، صادق‌ترین.

۱۴۶۱ (گزینه ۳) ترجمه عبارت: «قیمت کالاها بالا رفت پس مردم از حکومت خواستند که آن را پایین بیاورد». بررسی سایر گزینه‌ها ۱ «قیمت مؤنث است ولی «بزداد» مذکر است. ۲ «ظن ثمره تلخ‌کننده مناسب نیست. ۳ «تَمَنَع: منع‌کننده مناسب نیست. ضمناً فعل «طلبوا» ماضی است پس «بزداد» و «بترفع» که مضارع هستند، نادرست است.

۱۴۶۲ (گزینه ۳) طَفِيفَةٌ: غیبت، ترجمه گزینه‌ها ۱ از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط بین مردم. ۲ آن از گناهان بزرگ و اخلاق‌های بد می‌باشد. ۳ اتهام زدن کسی به شخص دیگری برای کاری که مرتکب نشده است. (این تعریف تهمت است) ۴ کسی که آن کار را می‌کند مانند کسی است که گوشت برادر مومنش را می‌خورد در حالی که مرده است.

۱۴۶۳ (گزینه ۳) هدیه داد، چیزی یا هدیه‌ای به کسی داد، صحیح است. ترجمه سایر گزینه‌ها ۱ (هدای، هدایت کننده) صفت برای انسان دارای آرامش «تعریف هادی، آرام، است نه «هادی». خودپسندی: صفتی برای کسی که از دیگران بدش می‌آید. ۲ خوار شد، از راه حق منحرف شد. تعریف (ضَلَّ) است نه «ذَلَّ».

۱۴۶۴ (گزینه ۱) العَجَب: خودپسندی، ترجمه گزینه‌ها ۱ حالت کسی که شگفتی دیگران را برمی‌انگیزد. (غلط است) ۲ آن است که انسان همواره از کارهای دیگران عیب‌جویی کند. ۳ حالت کسی که شیفته‌ی کارهای خودش می‌باشد. ۴ آن است که انسان از ویژگی‌های خودش خیلی خوشش بیاید.

۱۴۶۵ (گزینه ۳) «شبهمانی از گناه و عزم برای ترکش» تعریف «توبه» است. ترجمه سایر گزینه‌ها ۱ عدم حضور در کلاس تعریف (غیاب) است؛ (اغتیاب: غیبت کردن پشت سر کسی). ۲ آنچه که نفس قادر بر تحملش نیست؛ اگره داشت (نادرست). ۳ ادامه کار (تعریف مواصلة) است؛ ارتباط.

۱۴۶۶ (گزینه ۱) «پوشاننده» بسیار پوشاننده «حمله مذکورواژه «سثار» بسیار پوشاننده» را تعریف می‌کند. ترجمه سایر گزینه‌ها ۱ ناپسند دانستن، اگره داشت: کار را بدون رغبت انجام داد. ۲ مسخره کرد: مردم را برای تحقیر مسخره کرد. ۳ ناامید: برایش اسم گذاشت (قرار داد).

۱۴۶۷ (گزینه ۳) عیب گرفت: به دوستش آنچه را که دوست ندارد لقب داد (تعریف تفتاز است). ترجمه سایر گزینه‌ها ۱ مخفی آنچه آشکار نیست. ۲ امید است؛ فعلی که بر امید دلالت دارد. ۳ بشتاب: به سوی آن بشتاب یا تعجیل کن.

۱۴۶۸ (گزینه ۳) «نیکو گردانید» به او نیکی بخشید. خوبی کرده و متضاد آن «بد شده» است. متضاد «حَسَن» «سَاء» بد شده، نیست. «سَاء» فعل لازم و «حَسَن» متعدی است. ترجمه سایر گزینه‌ها ۱ جنس: جنس کالا یا اشیاء. ۲ تخفیف: کم کردن قیمت. ۳ حرام کرد: آن را حرام گردانید.

۱۴۶۹ (گزینه ۲) «دراسة: تحقیق، بررسی» (رد ۱ و ۴). «تَشْتَدُّمُ: به‌کار گرفته می‌شود» مجهول است (رد سایر گزینه‌ها). «أَرْحَى: ارزان‌تر» اسم تفضیل است (رد ۱ و ۴).

۱۴۷۰ (گزینه ۳) «بد شد» کاربرد را آورد (انجام داد)، تعریف (سَاء: بدی کرد) است. ترجمه سایر گزینه‌ها ۱ قیمت، بهای کالا یا ارزش آن ۲ فروشگاه: مکان داد و ستد با فروش اشیاء. ۳ کامل گردانید: آن را کامل کرد و کامل گردانید.

۱۴۷۱ (گزینه ۴) آلوده شدن به گناه، گمان بد به دیگران، نادرست است. ترجمه سایر گزینه‌ها ۱ غیبت: حرف زدن پشت سر دیگران به آنچه ناپسند می‌دانند؛ مرده: کسی که روحش از جسمش خارج شده و نفس نمی‌کشد؛ ۲ جاسوسی: تلاش برای شناختن اطلاعات و دستیابی به آنها؛ ۳ «بُحْتُ کرد: برای نشان دادن درست مناظره کرد و مترادف آن «جستجو کرده» است. ترجمه سایر گزینه‌ها ۱ آلوده شدن به گناه؛ آلوده شدن به گناهان و معصیت‌ها؛ ۲ (لقب بد) نسبت داد: به شخصی لقی زشت نسبت داد که آن را ناپسند می‌دانست؛ ۳ عیب گرفت: عیبها را در نبود شخص ذکر کرد و مترادف آن «عاب: عیب گرفت» است؛ ۴ در این گزینه «سعر» «قیمت» مترادفند.

۱۴۷۲ (گزینه ۳) التَّكْبِيرُ، «العجب» (خودپسندی) مترادفند.

۱۴۷۳ (گزینه ۲) در گزینه (۱) «السَّيِّئَةُ» و «الحَسَنَةُ» متضادند. در گزینه (۳) «الكفارة» «المَلْحَدُونَ» و در گزینه (۴) «الْمُتَكَبِّرُونَ» «المُفْرَرُونَ» (مفرور) مترادفند.

۱۴۷۴ (گزینه ۴) در گزینه (۱) «تَخْفَى» (مخفی می‌کند) با «تُظْهِرُ» (آشکار می‌کند) در گزینه (۲) «الظَّالِمُ» «المُظْلَمُونَ» و در گزینه (۳) «المُرْمِي» «المُرْمِي» (نمی‌کند، نهی می‌کند) متضادند.

۱۴۷۵ (گزینه ۱) در سایر گزینه‌ها «ذنب» (گناه) یا «غیبة» «تَجَنُّس» یا «تَسْمِیة» (نامیدن) و «لَا تَلْمِزُوا عِيبَ جُوبِي نَكْبِدُ» یا «لَا تَأْمُرُوا بِالْمَنْكِبِ» مترادف نیست. در گزینه (۱) هر دو کلمه به معنای «مسخره کردن» است.

۱۴۷۶ (گزینه ۴) «بُحْتُ» دوست می‌دارد و «كَرِهْتُ» بدش می‌آید متضاد هستند.

۱۴۷۷ (گزینه ۲) «فعل» «أداء» (انجام دادن) مترادفند.

۱۴۷۸ (گزینه ۳) «خیر» و «أفضل» هر دو اسم تفضیل به معنای «بهتر» می‌باشند.

۱۴۷۹ (گزینه ۱) پنهان = مستتر (شتر: فعل است) گناه = ذنب (مُذنب: گناه‌کار) ارتباط = الاحترام

۱۴۸۰ (گزینه ۲) در این گزینه «ألف: انس و الفت برقرار کرده» است ولی معنای دیگر «تألیف کرده» نمی‌دهد. (خدا تألیف می‌کند) (۲)

۱۴۸۱ (گزینه ۴) در گزینه (۱) «العلاقات» با «التواصلات» مترادف هستند و در گزینه‌های (۲) و (۳) «غالبية» با «أرْحَى» و «أحْسَن» با «أَسَاء» متضاد هستند.

۱۴۸۲ (گزینه ۴) بررسی سایر گزینه‌ها ۱ «داناترین» بسیار دانا ۲ «بیامرز» طلب بخشش کن. ۳ «به من بده» به من داد (فعل ماضی).

۱۴۸۳ (گزینه ۱) «تذکر» ذکر می‌کنیم، متضاد «نسی» فراموش می‌کنیم نیست؛ «نسی» متضاد «تذکر» به خاطر می‌آوریم است.

۱۴۸۴ (گزینه ۲) «اهدی»: هدایت شده، با «ضَلَّ»: گمراه شده، متضاد است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب «السفلی» با «الفضلی»، «المنکاسلین» با «المجدین» و «خیر» با «شر» و «الفنی» با «الفقیر» متضاد هستند.

۱۴۸۵ (گزینه ۲) متضاد «ضَلَّ» گمراه شده، فعل «اهدی» هدایت شده و فعل «هدی»: هدایت کرده است.

۱۴۸۶ (گزینه ۱) «سَاء» (بد شد) با «حَسَن» (خوب شد) متضاد است نه «خشی» (خوب کرد).

۱۴۸۷ (گزینه ۴) در سایر گزینه‌ها به ترتیب «اکتم» «استر» (پوشان) «عسی» و «علل» (شاید) و «دار» «بیت» (خانه) مترادفند.

۱۴۸۸ (گزینه ۳) «أزرق» (آبی) بر رنگ دلالت دارد و اسم تفضیل نیست.

۱۴۸۹ (گزینه ۳) رنگ‌ها با این که بر وزن «أفعل» هستند، اسم تفضیل به حساب نمی‌آیند. (آسود، سیاه)

۱۴۹۰ (گزینه ۴) «أقارب» جمع «قرب» و اسم تفضیل است. در گزینه‌های دیگر «حُكَّام» (جمع حاکم)، «أُسَافِرَة» (جمع أسفاد) و «عُلَمَاء» (جمع عالم) هیچ‌یک اسم تفضیل نیستند.

۱۴۹۱ (گزینه ۳) جمع اسم تفضیل (أفعل) بر وزن «أفعل» است؛ بنابراین جمع «أفضل» می‌شود «أفضلی».

۱۴۹۲ (گزینه ۲) «آخر» اسم فاعل است و «آخره» اسم تفضیل. سایر گزینه‌ها بر وزن «أفعل» هستند.

۱۴۹۳ (گزینه ۱) «أكبر» بر وزن «أفعل» (اکابر) جمع بسته می‌شود. حواسمان باشد در گزینه (۳) «أربع» اسم تفضیل نیست زیرا معنای برتری نمی‌دهد. ضمناً جمع وزن «فعلی» به صورت «فعلیات» یعنی جمع مؤنث سالم می‌آید (رد ۴).

- ۱۲۹۵ (گزینه ۱) در گزینه (۱) تمام کلمات اسم تفضیل هستند. «اَکَل، اَکَد، اَلرَّز» فعل هستند. ضمناً «ساور» جمع «سوار» و «اوامر» جمع «امر» اسم تفضیل هستند.
- ۱۲۹۶ (گزینه ۴) «الخیر، الشَّر» خوب، بد، اسم تفضیل نیستند؛ چون «ال» گرفته اند مصدر هستند. در سایر گزینه ها به ترتیب اسم های تفضیل عبارتند از: «عظیم، اَحْت، اَنشَط، خیر»
- ۱۲۹۷ (گزینه ۱) وقتی «خیر» و «شر» ال بگیرند، به شکل «خوبی» و «بدی» ترجمه می شوند و در این حالت اسم تفضیل نیستند، اما هنگام مضاف شدن به شکل تفضیلی «خوب تر»، «بدتر» ترجمه می شوند.
- ۱۲۹۸ (گزینه ۱) در این جا «الخیر» همراه «ال» آمده؛ پس مصدر است به معنای «خوبی». ولی در سایر گزینه ها همراه مضاف الیه آمده و اسم تفضیل و مشتق است به معنای «بهترین».
- ۱۲۹۹ (گزینه ۴) «خیر» مضاف شده و به معنای «بهترین» است. در سایر گزینه ها «خیر» خوبی» معنی می دهد. ضمناً در گزینه (۳) «فقیر» خبر است نه مضاف الیه. (من به آن چه از خیر بر من نازل کردی فقیر هستم).
- ۱۳۰۰ (گزینه ۴) «معرفة» (شناختن) مصدر است نه اسم مکان. در سایر گزینه ها «مراقد» (ج فرقد)، آرامگاه ها، «الملعب» ورزشگاه، «المنسح» استخر» اسم مکان هستند.
- ۱۳۰۱ (گزینه ۲) «اَحْت» دوست دارم، «بروزن» اَفْعَل نیست. بلکه فعل مضارع از باب «افعال» می باشد. در سایر گزینه ها «اَفْضَل، اَنْقَل، اَحْت» اسم تفضیل هستند.
- ۱۳۰۲ (گزینه ۴) برای مقایسه دو اسم چه مذکر چه مؤنث از وزن «اَفْعَل» استفاده می کنیم (اصغر من).
- ۱۳۰۳ (گزینه ۳) هرگاه اسم تفضیل برای مقایسه به کار رود، از وزن «اَفْعَل» استفاده می شود، حتی اگر برای مؤنث به کار رفته باشد (اَفْعَل من).
- ۱۳۰۴ (گزینه ۴) برای مقایسه دو اسم چه مذکر چه مؤنث از وزن «اَفْعَل» استفاده می کنیم. عبارت درست «مدرستنا اَکْرَم من هذه المدرسة» است.
- ۱۳۰۵ (گزینه ۳) «شَر» در این گزینه مضاف نشده و به معنای «بدی» است؛ پس اسم تفضیل نیست. در سایر گزینه ها کلمه «شَر» مضاف شده و به معنای «بدترین» و اسم تفضیل است.
- ۱۳۰۶ (گزینه ۲) «خیر» به همراه مضاف الیه (من) آمده؛ پس اسم تفضیل است (بهترین کسی که)، در سایر گزینه ها مضاف نشده و معنی «خوبی» دارد.
- ۱۳۰۷ (گزینه ۲) کلمه «مغرب» «بروزن» مَفْعَل است، ولی به معنای زمان غروب خورشید می باشد. بنابراین اسم مکان نیست؛ ولی در سایر گزینه ها اسم مکان به ترتیب عبارت است از: «متجر» مدارس (مدرسة)، «مزارع» مزارع (مزرعة)، «مصانع» (مصنَع)، «مصادر» مفردش «مصدر» و اسم مکان است.
- ۱۳۰۸ (گزینه ۲) بررسی گزینه ها «مصادر» مفردش «مصدر» و اسم مکان است. «المشاکل» مفردش «المشکلة» است پس اسم مکان نیست. «المساجد» «الموانع» مفردش «مانع» «بروزن» فاعل است پس اسم مکان نیست. «المساجد» مفردش «المسجد» و اسم مکان است. «مخازن» مفردش «مخزن» و اسم مکان است.
- ۱۳۰۹ (گزینه ۲) «مساکن» (جمع مسکن) اسم مکان است. در سایر گزینه ها «مقاتل» اسم فاعل، «مفاخر» (جمع «مفخرة» مایه افتخار)، «معالج» (جمع مصلحة) اسم مکان نیستند؛ چون معنای مکان ندارند.
- ۱۳۱۰ (گزینه ۳) در گزینه (۳) کلمه «اَحْسَن» فعل ماضی و «اَحْسِن» فعل امر است. غیر از ترجمه می توان به ادات شرط «فَن» که در ابتدای جمله آمده توجه نمود، چون بعد از ادات شرط فقط فعل می آید. در سایر گزینه ها کلمات «طَبِيع، اَعْظَم، الاَکْبَر» اسم تفضیل هستند.
- ۱۳۱۱ (گزینه ۳) «اَنْقَى، اَنْجَح، اَحْسَن» اسم تفضیل هستند. در گزینه (۳) کلمه «اَعْلَم» فعل مضارع متکلم وحده است. (می دانم که ...)
- ۱۳۱۲ (گزینه ۴) «اَکْرَم» فعل، «المرحل» فاعل و «وضیوفا» مفعول است. (مرد در خانه اش مهمانانی بر سفره می نشینند را گرامی داشت) در سایر گزینه ها «اَکْثَر، اَلْقَل» و «اَنْقَى» اسم تفضیل هستند.
- ۱۳۱۳ (گزینه ۴) «اَحْت، اَکْثَر، اَعْلَى، اَهْم» چهار اسم تفضیل در این عبارت هستند.
- ۱۳۱۴ (گزینه ۳) «لَدُنْیَا» (فعلی)، «خیر» (بهتر)، و «اَبْقَى» همگی اسم تفضیل هستند.
- ۱۳۱۵ (گزینه ۳) ترجمه عبارت: «به مردم نیکی کن همانطور که می خواهی به تو نیکی کنند.» با ترجمه به راحتی می فهمیم که «اَحْسِن» فعل امر است. در سایر گزینه ها به ترتیب «اَکْبَر، الاَخْرَب، اَحْسَن» و «اَکْرَم» اسم تفضیل هستند.
- ۱۵۱۶ (گزینه ۲) «المسجد» مؤنث نیست که با «ات» جمع بسته شود.
- ۱۵۱۷ (گزینه ۲) «اَکْبَر» اسم تفضیل است که مؤنث آن «بروزن» فعلی (کبری) می آید. در سایر گزینه ها «اَحْسَن» شمرندند، فعل است. «الکبیر» اسم تفضیل نیست و مؤنث آن به صورت «الکبیرة» می آید و «خیر» هم در حالت مذکر و مؤنث به صورت یکسان می آید.
- ۱۵۱۸ (گزینه ۳) ترجمه عبارت: «دوست من کتابی را از کتابخانه اش به من هدیه داد.» در این گزینه، «اهدی» فعل ماضی «بروزن» اَفْعَل به کار رفته است. در گزینه های (۱) و (۲) «اهدی» هدایت کننده تره و در گزینه (۴) «هدایت کننده ترین» ترجمه می شود.
- ۱۵۱۹ (گزینه ۴) در این گزینه «لحسنی» «بروزن» فعلی «اسم تفضیل مؤنث است. وزن «الفعلی» قطعاً اسم تفضیل است. در گزینه (۱) «اَکْرَم» گرامی داشت، و در گزینه (۲) «اَعْلَم» می دانم، به ترتیب فعل ماضی و مضارع هستند و در گزینه (۳) نیز اسم تفضیل نیامده است.
- ۱۵۲۰ (گزینه ۲) صورت صحیح سایر گزینه ها «خیر» مجرور به حرف جز «من اَهْم» یا هم خبر است. بعد از اسم اشاره مضاف الیه نمی آید «المطبخ» مشار الیه یا مبتدا است؛ مؤنث «مذکر
- ۱۵۲۱ (گزینه ۲) بررسی سایر گزینه ها «اسم مکان از فعل های ثلاثی محزذ ساخته می شود، پس اسم مکان «مکتب» از فعل ماضی «کَتَب» ساخته می شود. اسم مکان از فعل «مَرَّ، اَمَرَّ» است. «مَرَّ» تلخ کرده ثلاثی مزید است.
- اسم مکان صحیح از فعل «تَجَرَّ» «مَتَجَرَّ» است.
- ۱۵۲۲ (گزینه ۲) در این گزینه «مکتبة» کتابخانه و «مکاتب» کتابخانه ها، اسم مکان و «اکابر» بزرگترها اسم تفضیل است. در گزینه (۱) «المتاجر» مغازه ها، اسم مکان، در گزینه (۳) «ارخص» ارزان تره و «اعلی» بالاتر اسم تفضیل و در گزینه (۴) «المطابخ» آشپزخانه و «الاماکن» مکان ها، اسم مکان هستند. کلمه «ابیس» سفید رنگ است و رنگ ها اسم تفضیل نیستند.
- ۱۵۲۳ (گزینه ۱) «اراذل» «بروزن» اَفْعَل، جمع اسم تفضیل «ارذل» است. دقت کنید «اَحْت» دوست دارم، «ما ارضی» راضی نکرد، «اسخَط» حشمگین کرده همگی فعل های باب «افعال» هستند و هیچ کدام اسم تفضیل نیستند.
- ۱۵۲۴ (گزینه ۴) بررسی گزینه ها «اَحْسَن» آیا خوبی... اسم تفضیل نیست. «اَفْضَل، اَبَا با فضیلت است؟» «اَحْسِن» و «اَنْجَح» فعل هستند «کارهایم را خوب انجام می دهم تا موفق شوم» «اعلی» اسم تفضیل است.
- ۱۵۲۵ (گزینه ۳) بررسی گزینه ها «اَسعی» اسم تفضیل است. ترجمه: «کوششترین جوانان». ما را از نتیجه تلاشش باخبر کرد. «اَحْسَن» اسم تفضیل است. ترجمه: «قطعاً هم کلاسی ام حسن، بهترین برادرانش در خانواده است.» «اهدی» اسم تفضیل نیست (فعل ماضی «افعال» است). ترجمه: «برادرم عیب هایم را به من اهدا کرد، بعد از این که خودش را اصلاح کرد.» «اطول» و «اَحْت» اسم تفضیل هستند. ترجمه: «طولانی ترین غارهای آبی را با محبوبترین دوستانم زیارت کردم.»
- ۱۵۲۶ (گزینه ۳) «مؤمن گرامی ترین شما نزد خداوند است» پس «اَکْرَم» اسم تفضیل است. در سایر گزینه ها بعد از «اَکْرَم» اسم با حرکت فتحه آمده (ت) پس آن اسم، مفعول است نه مضاف الیه؛ پس «اَکْرَم» فعل است نه اسم تفضیل.
- ۱۵۲۷ (گزینه ۳) «المحمل» مفعول برای «صَنَع» است. در سایر گزینه ها «المصنَع» منزل، «مکتبة» همگی مضاف الیه هستند.
- ۱۵۲۸ (گزینه ۱) «خیر» به همراه مضاف الیه (ما) آمده پس اسم تفضیل است (بهترین چیزی که)، در سایر گزینه ها «اَکْمَل» فعل امر است (تکالیف را کامل کن)، «اَسْوَد» (سیاه) معنای تفضیلی ندارد. «شَر» (بد) هم بدون مضاف الیه و حرف جر «من» آمده است.
- ۱۵۲۹ (گزینه ۴) سؤال می گوید گزینه ای را که در آن مقایسه یافت نمی شود، بیابیم؛ یعنی اسم تفضیل نداشته باشد. در گزینه (۴) کلمه های «خیر» و «شر» در معنای اسم تفضیل نبوده و در آن مقایسه ای نیست. ترجمه: «هرگاه بدی مرد بر خوبی اش غلبه کند، شیطان چشمانش را می بوسد.» بررسی سایر گزینه ها «اعلم» در این جا اسم تفضیل می باشد. ترجمه: «من به خودم دلناترم.» «ابنل» در این جا اسم تفضیل و به معنی «بخشنده تر» می باشد. «اَحْسَن» در این جا اسم تفضیل و به معنی «بهترین» می باشد.
- ۱۵۳۰ (گزینه ۴) «اَحْسَن» مفعول است. اسم تفضیل در بقیه گزینه ها خبر می باشد. در گزینه (۱) «اَرْحَم»، در گزینه (۲) «خیر و اَئْمَن» و در گزینه (۳) «اَفْضَل» خبر هستند.

- ۱۲۹۵ (گزینه ۱) در گزینه (۱) تمام کلمات اسم تفضیل هستند. «اَکَل، اَکَد، اَلرَّز» فعل هستند. ضمناً «ساور» جمع «سوار» و «اوامر» جمع «امر» اسم تفضیل هستند.
- ۱۲۹۶ (گزینه ۴) «الخیر، الشَّر» خوب، بد، اسم تفضیل نیستند؛ چون «ال» گرفته اند مصدر هستند. در سایر گزینه ها به ترتیب اسم های تفضیل عبارتند از: «عظیم، اَحْت، اَنشَط، خیر»
- ۱۲۹۷ (گزینه ۱) وقتی «خیر» و «شر» ال بگیرند، به شکل «خوبی» و «بدی» ترجمه می شوند و در این حالت اسم تفضیل نیستند، اما هنگام مضاف شدن به شکل تفضیلی «خوب تر»، «بدتر» ترجمه می شوند.
- ۱۲۹۸ (گزینه ۱) در این جا «الخیر» همراه «ال» آمده؛ پس مصدر است به معنای «خوبی». ولی در سایر گزینه ها همراه مضاف الیه آمده و اسم تفضیل و مشتق است به معنای «بهترین».
- ۱۲۹۹ (گزینه ۴) «خیر» مضاف شده و به معنای «بهترین» است. در سایر گزینه ها «خیر» خوبی» معنی می دهد. ضمناً در گزینه (۳) «فقیر» خبر است نه مضاف الیه. (من به آن چه از خیر بر من نازل کردی فقیر هستم).
- ۱۳۰۰ (گزینه ۴) «معرفة» (شناختن) مصدر است نه اسم مکان. در سایر گزینه ها «مراقد» (ج فرقد)، آرامگاه ها، «الملعب» ورزشگاه، «المنسح» استخر» اسم مکان هستند.
- ۱۳۰۱ (گزینه ۲) «اَحْت» دوست دارم، «بروزن» اَفْعَل نیست. بلکه فعل مضارع از باب «افعال» می باشد. در سایر گزینه ها «اَفْضَل، اَنْقَل، اَحْت» اسم تفضیل هستند.
- ۱۳۰۲ (گزینه ۴) برای مقایسه دو اسم چه مذکر چه مؤنث از وزن «اَفْعَل» استفاده می کنیم (اصغر من).
- ۱۳۰۳ (گزینه ۳) هرگاه اسم تفضیل برای مقایسه به کار رود، از وزن «اَفْعَل» استفاده می شود، حتی اگر برای مؤنث به کار رفته باشد (اَفْعَل من).
- ۱۳۰۴ (گزینه ۴) برای مقایسه دو اسم چه مذکر چه مؤنث از وزن «اَفْعَل» استفاده می کنیم. عبارت درست «مدرستنا اَکْرَم من هذه المدرسة» است.
- ۱۳۰۵ (گزینه ۳) «شَر» در این گزینه مضاف نشده و به معنای «بدی» است؛ پس اسم تفضیل نیست. در سایر گزینه ها کلمه «شَر» مضاف شده و به معنای «بدترین» و اسم تفضیل است.
- ۱۳۰۶ (گزینه ۲) «خیر» به همراه مضاف الیه (من) آمده؛ پس اسم تفضیل است (بهترین کسی که)، در سایر گزینه ها مضاف نشده و معنی «خوبی» دارد.
- ۱۳۰۷ (گزینه ۲) کلمه «مغرب» «بروزن» مَفْعَل است، ولی به معنای زمان غروب خورشید می باشد. بنابراین اسم مکان نیست؛ ولی در سایر گزینه ها اسم مکان به ترتیب عبارت است از: «متجر» مدارس (مدرسة)، «مزارع» مزارع (مزرعة)، «مصانع» (مصنَع)، «مصادر» مفردش «مصدر» و اسم مکان است.
- ۱۳۰۸ (گزینه ۲) بررسی گزینه ها «مصادر» مفردش «مصدر» و اسم مکان است. «المشاکل» مفردش «المشکلة» است پس اسم مکان نیست. «المساجد» «الموانع» مفردش «مانع» «بروزن» فاعل است پس اسم مکان نیست. «المساجد» مفردش «المسجد» و اسم مکان است. «مخازن» مفردش «مخزن» و اسم مکان است.
- ۱۳۰۹ (گزینه ۲) «مساکن» (جمع مسکن) اسم مکان است. در سایر گزینه ها «مقاتل» اسم فاعل، «مفاخر» (جمع «مفخرة» مایه افتخار)، «معالج» (جمع مصلحة) اسم مکان نیستند؛ چون معنای مکان ندارند.
- ۱۳۱۰ (گزینه ۳) در گزینه (۳) کلمه «اَحْسَن» فعل ماضی و «اَحْسِن» فعل امر است. غیر از ترجمه می توان به ادات شرط «فَن» که در ابتدای جمله آمده توجه نمود، چون بعد از ادات شرط فقط فعل می آید. در سایر گزینه ها کلمات «طَبِيع، اَعْظَم، الاَکْبَر» اسم تفضیل هستند.
- ۱۳۱۱ (گزینه ۳) «اَنْقَى، اَنْجَح، اَحْسَن» اسم تفضیل هستند. در گزینه (۳) کلمه «اَعْلَم» فعل مضارع متکلم وحده است. (می دانم که ...)
- ۱۳۱۲ (گزینه ۴) «اَکْرَم» فعل، «المرحل» فاعل و «وضیوفا» مفعول است. (مرد در خانه اش مهمانانی بر سفره می نشینند را گرامی داشت) در سایر گزینه ها «اَکْثَر، اَلْقَل» و «اَنْقَى» اسم تفضیل هستند.
- ۱۳۱۳ (گزینه ۴) «اَحْت، اَکْثَر، اَعْلَى، اَهْم» چهار اسم تفضیل در این عبارت هستند.
- ۱۳۱۴ (گزینه ۳) «لَدُنْیَا» (فعلی)، «خیر» (بهتر)، و «اَبْقَى» همگی اسم تفضیل هستند.
- ۱۳۱۵ (گزینه ۳) ترجمه عبارت: «به مردم نیکی کن همانطور که می خواهی به تو نیکی کنند.» با ترجمه به راحتی می فهمیم که «اَحْسِن» فعل امر است. در سایر گزینه ها به ترتیب «اَکْبَر، الاَخْرَب، اَحْسَن» و «اَکْرَم» اسم تفضیل هستند.

- ۱۵۲۶ (گزینه ۲) المکارم (خصوصیت‌های اخلاقی پسندیده) و المحامد (ستایش‌ها) اسم مکان نیستند. در سایر گزینه‌ها به ترتیب معابر، مناظر و موعده و عده گاه اسم مکان اند.
- ۱۵۲۷ (گزینه ۳) الممارک (جمع المعركة)، «مأمن»، «مقرب»، «مقتل» اسم مکان اند. حواستان باشد چون بیت و وزن‌های اسم مکان را ندارد. اسم مکان نیست.
- ۱۵۲۸ (گزینه ۴) المَحَقِّق اسم فاعل و المكتبة اسم مکان است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب المتكاسل: اسم فاعل، «مُقلِّم (غذا دهنده)» اسم فاعل، «مبتسماً» اسم فاعل و «المطار (فرودگاه)» اسم مکان است.
- ۱۵۲۹ (گزینه ۴) «مَقَرٌّ» اقرارکننده، اسم فاعل است. در سایر گزینه‌ها «المطاعم (جمع المطاعم)، المدرسة، محلّ» اسم مکان هستند.

نسوزی: گاهی اوقات اگر یک کلمه اعراب نداشته باشد می‌تواند

به صورت‌های مختلفی خوانده شود. مثلاً «مَقَرٌّ» را می‌توان به صورت «مَقَرٌّ» قرارگاه و «مَقَرٌّ» اقرارکننده خواند. تشخیص این موضوع از راه ترجمه و قرینه‌های جمله ممکن است.

- ۱۵۵۰ (گزینه ۴) بررسی گزینه‌ها ۱ زمان شروع نوشتن نامه‌ام، دو ماه قبل بود ۲ زمان وعده ما هنگام طلوع خورشید است ای برادرم. ۳ دوستم به خاطر صداقتش همیشه اشکارکننده حق است. (مُظهِر، اسم فاعل) ۴ «المفسل» بروزن «مففل» و اسم مکان است. (حای شستن)
- ۱۵۵۱ (گزینه ۲) شدیدترین صفت در شخص همان اسم تفضیل است (أعلم: داناترین)، در گزینه (۴) «أعلم» فعل است. (راز در راه‌های ... می‌شناسم)
- ۱۵۵۲ (گزینه ۴) بررسی گزینه‌ها ۱ «أقرب» (اسم تفضیل)، «المادحین» (اسم فاعل)، «الأكرم» (اسم تفضیل)، «المحامد» (جمع المحمّدة: ستایش) اسم مکان نیست. ۲ «مؤمنة» (اسم فاعل)، «محافل» (جمع محفل) و «لتجار» (جمع لتاجر)، «المُسلم» (اسم فاعل)، «طباطبائی» (اسم فاعل) ۳ «المظلومون» (اسم مفعول)، «الكفار» (جمع الكافر: اسم فاعل)، «المسجد» (اسم مکان)، «الأقصى» (اسم تفضیل)
- ۱۵۵۳ (گزینه ۴) «مرمی» دروازه اسم مکان است. «بروزن» «مفعی» در گزینه (۲) «مُنزل» اسم فاعل است. (حدایا، تو نازل کننده کتاب هستی)
- ۱۵۵۴ (گزینه ۱) حارس (اسم فاعل) - المرمی (اسم مکان) - الخُفام (الخادم) - اللاعبین اخیر كرة القدم: خوبی فوتبالی، دقت کنید که «أحسن» فعل امر از باب «افعال» است.
- ۱۵۵۵ (گزینه ۱) منازل، فاعل «ازدادت» (زیاد شد) است و در سایر گزینه‌ها «الملعب، مكتبة، متجر» مفعول هستند.
- ۱۵۵۶ (گزینه ۴) «الذی» مبتدا و «أشد» خبر است. در سایر گزینه‌ها «الأخود» جار و مجرور است (مجموعاً خبر است نه فقط «أخود»). «أشهر» (ج شهر: ماه) خبر است چون از «هذه» استفاده شده می‌فهمیم جمع غیر انسان است نه «أشهر» مشهورترین «أكرم» نیز مبتدا می‌باشد «أقبل» فعل ماضی است.
- ۱۵۵۷ (گزینه ۴) «المفسدة» مایه تباهی و «المزحمة» مهربانی، بیانگر مکان نیستند. در سایر گزینه‌ها «درمانگاه، موزه، مرداب، آزمایشگاه، کجاوه و فرودگاه» بیانگر مکان هستند.
- ۱۵۵۸ (گزینه ۱) منظور از «الأولوية» برتری، همان اسم تفضیل است. «أشهر» مشهورترین، اسم تفضیل است. بررسی سایر گزینه‌ها ۲ «أكرم» فعل امر است. ۳ «أواخر» جمع «آخر» و اسم فاعل است. ۴ «أكمل» مضارع متکلم وحده است. (کامل می‌شوم) «کبیری» بزرگ سالی ام.
- ۱۵۵۹ (گزینه ۳) خوبی مؤمنان پرهیزگار. همان اتفاق پنهانی است. پس «خبر» مصدر است. در سایر گزینه‌ها «أتمن» «أكابر» جمع اکبر، و «أجمل» اسم تفضیل هستند.

نسوزی: ما الفعل یعنی چه ... است. بیانگر ساختار تعجب است و

الفعل فعل می‌باشد ولی «ما أفعل» یعنی آن چه ... تراست می‌باشد پس «أفعل» اسم تفضیل است.

نمونه مثال: «ما أكثر» چه زیاد است، «ما أكثر» ان چه بیشتر است.

- ۱۵۲۱ (گزینه ۲) «أحت من» به صورت «محبوب‌تر از» (صفت تفضیلی) ترجمه می‌شود. ولی در سایر گزینه‌ها «أشجع الشباب» «أجمل الورد» «أفضل معلّم» اسم تفضیل به صورت صفت عالی (ترین) ترجمه می‌شود. چون مضاف شده‌اند.
- ۱۵۲۲ (گزینه ۲) اسم تفضیل در عبارت «گزینه (۲)» به صورت صفت برتر (فهم‌تر) ترجمه می‌شود چون تنها آمده و مضاف نشده اما در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل معنای صفت عالی (برترین) دارد. چون مضاف شده است و در ضمن «أحسن» در این گزینه فعل است نه اسم تفضیل.
- ۱۵۲۳ (گزینه ۳) «أكرم» در گزینه (۳) فعل امر است. (گرامی بدار مردم را) اسم تفضیل در سایر گزینه‌ها به ترتیب «الأقصى»، «أحلّ»، «الوسطی»
- ۱۵۲۴ (گزینه ۳) «أحت» و «الأخرین» در گزینه (۳) اسم تفضیل هستند. بنابراین این گزینه دو اسم تفضیل دارد. در گزینه (۱) «الأخرین» در گزینه (۲) «أهم» و در گزینه (۴) «خیر» «أثقل» و «أكثر» اسم تفضیل هستند.

- ۱۵۲۵ (گزینه ۲) وقتی دو اسم (چه مذکر و چه مؤنث) را با هم مقایسه می‌کنیم، از اسم تفضیل به شکل مفرد مذکر و بروزن «أفعل» استفاده می‌کنیم. بنابراین «أفضل» صحیح است.
- ۱۵۲۶ (گزینه ۱) در گزینه (۱) «أعجب» اسم تفضیل و مجرور به حرف جر است. دقت کنید که «من أعجب» خبر از نوع جار و مجرور (شبه جمله) است.
- بررسی سایر گزینه‌ها ۲ «أرخص» اسم تفضیل و خبر است و «الملايس» مبتدای باشد. ۳ «خیر» اسم تفضیل و خبر واقع شده است و «الأحمر» نیز مبتدای باشد. ۴ «أصعب» اسم تفضیل و خبر است.
- ۱۵۲۷ (گزینه ۲) «أرضی» اسم تفضیل است. «راضی‌ترین مردم از کارهای خویش» همان دانشمندان و معلمان هستند. در سایر گزینه‌ها «الأحقق» نادان، «بیانگر عیب است» و «الأخضر» سبز، رنگ است پس معنای تفضیلی ندارند. دقت کنید «أحدث» ایجاد کرد، فعل است و «ما أختل» چه ریباست، اسم تفضیل نیست «أختل» فعل می‌باشد.
- ۱۵۲۸ (گزینه ۱) «أحمر» قرمز، رنگ است و به صورت اسم تفضیل (تر - ترین) استفاده نمی‌شود زیرا رنگ‌ها اسم تفضیل نیستند.
- ۱۵۲۹ (گزینه ۲) در این گزینه «آخر» آخرین است و به معنای دیگر نیست. ترجمه: «این آخرین اختراع جدیدی است که دانشمندان به تازگی آن را کشف کرده‌اند».

نسوزی: اگر «آخر» قبل اسم بیاید، حتماً اسم فاعل است و اگر بعد

اسم بیاید می‌تواند اسم تفضیل یا اسم فاعل باشد.

نمونه مثال: آخر الكتاب / الكتاب الآخر

- ۱۵۴۰ (گزینه ۱) «سؤالی سخت‌تر از» (سؤالاً أصعب) موصوف و صفت است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب «أحسن، أكثر، أرخص» اسم تفضیل و خبر هستند.
- ۱۵۴۱ (گزینه ۴) «أصفر» زرد، بیانگر برتری (اسم تفضیل) نیست. در سایر گزینه‌ها «أهم، أجل، الأولى» اسم تفضیل هستند. (بر برتری دلالت دارند).
- ۱۵۴۲ (گزینه ۲) «أكثر» فعل امر هستند. (ترک کن زیاد کن) در سایر گزینه‌ها «أفضل، الدنيا، أعز» اسم تفضیل هستند.
- ۱۵۴۳ (گزینه ۴) بررسی گزینه‌ها ۱ «خیر أصدقاؤکم» بهترین دوستان شما، اسم تفضیل ۲ «خیر» فعل ماضی از باب «تفعیل» است و اصلاً «خیر» نیست. ۳ «خیرکم» بهترین شما، اسم تفضیل ۴ «خیر الدنيا: خوبی دنیا» (معدراً)
- ۱۵۴۴ (گزینه ۱) صورت سؤال اسم تفضیلی را می‌خواهد که به معنی صفت عالی (ترین) در فارسی است. «أكرم» در گزینه (۱) به معنای «گرامی‌ترین» به کار رفته است: «گرامی‌ترین دوستانم، کسی است که در قلبش دیگران را دوست دارد». «أحسن» در گزینه (۲) و «أفضل» در گزینه (۴) «صفت برتر» و «شیر» در گزینه (۳) به معنای «بدی» است. (بدی دشمنان غاصمان)
- ۱۵۴۵ (گزینه ۲) «دشتر» در این گزینه به معنی «بدی» است، اما در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل است و معنی «بدتر یا بدترین» می‌دهد. ترجمه گزینه‌ها ۱ از تعلیمات دینی و اخلاقی یاد گرفته‌ایم که انتقام بدتر از بخشش است! ۲ خدا را از بدی زبانم به تو پناه می‌برم، چه آن وسیله‌ای برای به دست آوردن عذاب است! ۳ همانا بدترین مردم نزد خداوند کسانی‌اند که در آیات او اندیشه نمی‌کنند! ۴ از بدترین پندگان خدا کسی است که هم‌نشینی با او به خاطر گفتار و کردار زشتش ناپسند شمرده می‌شود!

۱۵۷۵ (گزینۀ ۴) من تعلم: هرکس فرا بگیرد (رد سایر گزینه‌ها). لغة قوم: زبان قومی راه (رد ۲). «جیداً: خوب، به خوبی». «امن شرم» از گزند آن‌ها در امان است (رد ۳). «الإنسان بتعلم كل لسان: انسان با فرا گرفتن هر زبانی» (رد ۱ و ۲). «إنسان جدید: یک انسان جدید است»

۱۵۷۴ (گزینۀ ۲) این: چون قبل از اسم آمده: پس اذلت شرط نیست (رد ۳). استصحیح: خواهد شد. آینده است (رد ۱ و ۴). «الإنسان الذی: انسانی که» (رد ۳ و ۴).

۱۵۷۷ (گزینۀ ۱) ماء شرطیه معنی (هر چه) می دهد (رد ۲ و ۳). «بعضی: می دهد» معلوم است نه مجهول (رد ۴).

۱۵۷۸ (گزینۀ ۳) لا یدل، دلالت نمی کند. فعل مضارع است نه اسم (رد ۱ و ۴). «إنما: فقط، تنها» (رد ۲).

۱۵۷۹ (گزینۀ ۴) قبل أن يعزم: در گزینۀ (۱) ترجمه نشده است. «من: هرکس» (رد ۲ و ۳). فعل «قد انتفع: سود برده است» ماضی نقلی است (رد ۲ و ۳). «العقلاء: دانایان» معرفه است نه نکره (رد ۲).

۱۵۸۰ (گزینۀ ۴) «من هرکس» هر که، شرط است (رد ۱ و ۳). «صدیقه الحمیم: دوست صمیمی اش». «مستتاره الحکیم: متاور خردمند خویش» ترکیب وصفی و اضافی هستند (رد ۱ و ۲). «فلیجعل: باید قرار دهد». «قرار می دهد» اشتباه است (رد ۱ و ۳). کسر در انتهای فعل مضارع به ما می گوید که حرکت ساکن داشته ایم

۱۵۸۱ (گزینۀ ۲) «من: هرکس» شرط است (رد ۱ و ۳). «مستقبله: آینده اش» همراه ضمیر است (رد ۱). در گزینۀ (۴) «حال آن که» معادل «الذی» که نیست

۱۵۸۲ (گزینۀ ۳) «إن: اگر، چنانچه» (رد ۲). «تُرد: بخواهی» فعل مضارع است (رد ۱ و ۲). «قلوب الشباب: دل های جوانان» (رد سایر گزینه‌ها). همچنین «پیش خود» نیز نادرست است (رد ۴).

۱۵۸۳ (گزینۀ ۱) «إن: اگر» معنای قیدهای زمان نمی دهد (رد ۲ و ۴). «لا تعلم» مضارع است (رد ۳). «سمعت: شنیدی» (رد ۳ و ۴).

۱۵۸۴ (گزینۀ ۱) «كان... بهمس: آهسته سخن می گفت» (رد ۲ و ۴). در گزینۀ (۳) «من الصف: ترجمه نشده. کاذب: نزدیک بود (رد ۲ و ۴).

۱۵۸۵ (گزینۀ ۲) در گزینۀ (۱) «بها» ترجمه نشده «من (شرط): هرکس» (رد ۳). «بخصل: معلوم است ولی مجهول ترجمه شده (رد ۴).

۱۵۸۶ (گزینۀ ۴) «یتکلم: فعل شرط است و باید مضارع التزامی ترجمه شود (رد ۱ و ۲). «حینما: زمانی که» (رد ۱). «لا نهمس: آهسته حرف مزین» (رد ۲). «به خاطر تو» در گزینۀ (۳) اضافی است. «عملاً: در گزینۀ (۱) ترجمه نشده.

۱۵۸۷ (گزینۀ ۱) «عدد کثیر من العلماء: تعداد زیادی از علماء» (رد ۲ و ۳). «التربیه و التعليم: صفت نیست (رد ۳). در گزینۀ (۴) «بسیار» اضافه است. همچنین «کتباً» باید در این گزینۀ نکره و جمع ترجمه می شود.

نسوزی: «مجالات التریبه و التعليم: زمینه های آموزش و پرورش» توجه کنیم

که در زبان عربی برخلاف زبان فارسی، واژه «تربیه» پیش از تعلیم می آید.

مثال: «دائرة التریبه و التعليم: اداره آموزش و پرورش»

۱۵۸۸ (گزینۀ ۲) «ابتعد: فعل لازم است نه متعدی (دور شد، دوری کرد). ولی در سایر گزینه‌ها به صورت متعدی (دور کردی، دور می کنی) ترجمه شده.

۱۵۸۹ (گزینۀ ۳) «الناس: مفعول است نه فاعل (رد ۱). «رأبت: فعل شرط است و مضارع التزامی ترجمه می شود (رد ۲ و ۴). «دین الله: دین خدا» ترکیب اضافی است نه وصفی (رد ۲ و ۴).

۱۵۹۰ (گزینۀ ۱) «من: شرطی است (هر کس)» (رد ۲ و ۴). «شز الحسد: شز حسد، حسادت» (رد ۲ و ۴). «تبتعد: فعل معلوم است ولی در گزینۀ (۲) به صورت مجهول ترجمه شده است. «التصائح الأخلاقیة: در گزینۀ (۳) نکره ترجمه شده و «منه» ترجمه نشده است. در گزینۀ (۴) «بتخلص: به صورت متعدی معنا شده و نیز «حسودها» غلط است.

۱۵۹۱ (گزینۀ ۳) «ینتفع: و ینفع» مضارع هستند نه ماضی (رد ۱). «مدیرة شرکتنا الکبیرة: مدیر شرکت بزرگ ما» (رد ۲ و ۴).

۱۵۹۲ (گزینۀ ۳) «نوع: نوعی» در گزینۀ (۱) ترجمه نشده است. «من هو اکبر منک: کسی که از تو بزرگ تر است» (رد ۲). «علیک: تو باید، بر تو است» (رد ۴).

۱۵۹۰ (گزینۀ ۴) «أحسن: اسم تفضیل است. «بهترین مردان نزد خداوند کسی است که نماز را ترک نمی کند. «اکرم: گرامی داشتند... هفته گذشته» و «اکثر» (زیاده روی کردند). «الطلاب: فاعل است و مرفوع (ش) آمده» در گزینۀ های (۱) و (۲) فعل هستند و در گزینۀ (۳) هم «خیر» به همراه مفرد معرفه آمده (خوبی پروردگار ما).

۱۵۹۱ (گزینۀ ۳) «أقل: فعل ماضی از باب افعال» است (مرد در کار کوتاهی کرد). ولی در سایر گزینه‌ها «أخلص: شز». «اکرم: و أعلم: همگی اسم تفضیل هستند.

۱۵۹۲ (گزینۀ ۴) «المجالس: هم نشین» اسم فاعل و مذكر است. «از الحسن» که صفت و مذكر است می توان فهمید. بررسی سایر گزینه‌ها: «المشاهد: جمع «مشهد» به معنی صحنه است. «از مؤنث بودن کلمات «لتی» و «مخوفة» می فهمیم که جمع غیر عاقل است». «دوستم خارج کننده کتاب از آنجا بود» (مخرج اسم فاعل) «ملابس: جمع «ملبس» به معنای لباس» معنای مکان ندارد (المعامل، المعامل کارگاه‌ها).

۱۵۹۳ (گزینۀ ۴) بررسی گزینه‌ها: «بدی مردم معمولاً به خودشان می رسد. «شز» مصدر است. «المناطق: جمع «منطقه» است و اسم مکان نیست. «اماکن: جمع «مکان» اسم مکان و «آخر» پایان) اسم فاعل و اسم تفضیل نیستند. «بدی این شهر شلوغی است. «شز» مصدر و به معنای «بدی» است.

۱۵۹۴ (گزینۀ ۱) در گزینۀ (۱) «خبرایی: خوبی پدرم». «خبره: مصدر است. «أنفس: گران بهاترین» اسم تفضیل است. در گزینۀ (۲) «مغری» (کودکی ام) و در گزینۀ (۳) «کبری» (میان سالی ام) است. زیرا بعدشان ضمیر مکرر (ه) آمده نه مؤنث (ها). در گزینۀ (۴) هم «فطلی» (برتری من) اسم تفضیل نیستند. چون بعدش صفت به صورت مذكر آمده نه مؤنث

۱۵۹۵ (گزینۀ ۳) «أخدام: جمع «خادم» است. بررسی سایر گزینه‌ها: «المحافظ: اسم مکان و جمع «محافظة» است. چون «التي» بابتگر جمع غیر عاقل بودن آن است. ولی «المحافظ» مذكر است. «اسم مبالغه است. (زوار) چون ضمیر «ه» برای آن مفرد آمده. «زولر: جمع است». «المقاتل: جمع «مقتل» و اسم مکان است. چون فعل «تحکی» مفرد مؤنث آمده پس کلمه مورد نظر جمع غیر انسان است. «المقاتل» است نه «المقاتل».

درس دوم

پایه یازدهم

۱۵۹۶ (گزینۀ ۴) در سایر گزینه‌ها «من» شرطیه نباید به صورت «کسی که» کسانی که. آن کسی که. «و...» ترجمه شود. همچنین «امور» جمع است (رد ۱ و ۳).

۱۵۹۷ (گزینۀ ۴) اگر فعل شرط ماضی باشد یا به صورت ماضی ساده ترجمه می شود یا مضارع التزامی (رد ۲ و ۳). کلمه «قلب» در سایر گزینه‌ها ترجمه نشده است. ضمناً «ظواهر» جمع است ولی در گزینه‌های (۱) و (۲) به صورت مفرد ترجمه شده است. دقت کنید که «من» در این عبارت از نوع شرط است. لذا بهتر بود به صورت «هر کس» ترجمه شود.

۱۵۹۸ (گزینۀ ۱) «إن: اگر» (رد ۲ و ۴). «تقصد: مضارع است (رد سایر گزینه‌ها). «التفایات: زبانه‌ها» معرفه است (رد ۴). «طغلم: بدان» (رد ۲ و ۴). در گزینۀ (۲) «این» اضافی است.

۱۵۹۹ (گزینۀ ۳) «سوف ینتبه: آگاه خواهد شد» (رد ۱ و ۴). «زمیلک المشاغب: هم کلاسی اخلاکرت»

۱۵۷۰ (گزینۀ ۲) «خلق الله: آفرینش خدا» ترکیب اضافی است نه وصفی همچنین مفرد است نه جمع (رد ۱ و ۲). «إن: اگر» هرگاه (رد ۳). «ششاهد: خواهی دیده آینده است (رد ۳ و ۴).

۱۵۷۱ (گزینۀ ۳) «إن: اگر» چنانچه (رد ۲ و ۴). «للناس: برای مردم» (رد سایر گزینه‌ها). «أن تنصح: که نصیحت کنی» (رد سایر گزینه‌ها).

۱۵۷۲ (گزینۀ ۲) «بسهولة: به آسانی» (رد سایر گزینه‌ها) «إن: اگر» نباید «هرگاه» ترجمه شود (رد ۱ و ۳). «لنا: برای ما» ترجمه نشده است (رد ۱ و ۴).

۱۵۷۳ (گزینۀ ۱) «فیما لا تعلم: درباره آنچه نمی دانی» (ما شرطیه نیست پس معنی «هر چه» نمی دهد) (رد ۲ و ۴). «وإن: اگرچه» (رد ۲ و ۴). «کانوا أصغر منک: از تو کوچک تر باشند» (رد ۲ و ۴). «بین: میان» (رد ۲). «لا تمیز: جدا نمی کند» (رد ۲ و ۳).

۱۵۷۲ (گزینۀ ۳) «یصعد: صعود می کند» در گزینۀ (۱) به شکل آینده ترجمه شده است. «إن: اگر» چنانچه به معنای «هرگاه» نیست (رد ۲). «بتسجیل: با ثبت. یا زدن» مصدر است نه فعل (رد ۴).